

A Three-Dimensional Conceptual Model of Accountability in Social Systems Based on the Qur'an and Hadiths

Mehdi Amiri¹ 

1. Assistant Professor, Department of Educational Sciences and Counseling, Payam Noor University, Tehran, Iran,
m.amiri@pnu.ac.ir

Research Article



Abstract

This research aims to present a three-dimensional model of accountability in social systems based on the Holy Qur'an and its validation in universities through a multi-study mixed research. In the first part of the research, a conceptual framework of accountability in social systems was extracted based on a qualitative categorical content analysis of the verses of the Holy Qur'an using a cyclical process of analysis (including four stages of data collection, revivalist data reduction, data organization and analysis, and interpretation and conclusion). This framework has been formed in three dimensions: foundations (including righteousness, non-arrogance, piety, faith, divine knowledge, righteous deeds, and divine scales), obstacles (including disbelief, misguidance, doubt, evil deeds, deceit, and breach of contract), and enabling factors (including divine support, stability, peace, trust, insight, honesty, good deeds, and responsibility). Using the qualitative content analysis method and semi-structured interviews, the validity of this framework developed in universities has been confirmed and validated through the reliability technique and expert review methods and self-review as a social system under study and a conceptual framework.

KEYWORDS: Accountability, Qur'an, Hadiths, Social System, Responsibility.

Received: 2024-10-06 | Received in revised form: 2024-12-29 | Accepted: 2025-01-21 | Published online: 2024-12-21

◆ How to cite: Amiri, Mehdi(1403SH): A Three-Dimensional Conceptual Model of Accountability in Social Systems Based on the Qur'an and Hadiths, *quran and social sciences*, 4(16), p102-141, [10.22034/araq.2024.216762](https://doi.org/10.22034/araq.2024.216762)

©The Author(s). Article type: Research Article Published by: University of Holy Quran Sciences and Education



araq.quran.ac.ir

مدل مفهومی سه بُعدی پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی مبتنی بر قرآن و روایات

مهدی امیری^۱

۱. استادیار گروه علوم تربیتی و مشاوره، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، m.amiri@pnu.ac.ir

پژوهشی



چکیده

هدف این پژوهش ارائه مدل سه‌بعدی پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی مبتنی بر قرآن کریم و اعتباریابی آن در دانشگاه‌ها از طریق یک پژوهش ترکیبی چند مطالعه‌ای بود. در بخش اول پژوهش یک چارچوب مفهومی از پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی بر اساس تحلیل محتوای کیفی مقوله‌ای آیات قرآن کریم با استفاده از فرایند چرخه‌ای تحلیل (مشمول بر چهار مرحله گردآوری اطلاعات، تقلیل احیاگرایانه داده‌ها، سازمان‌دهی و تحلیل اطلاعات و تفسیر و نتیجه‌گیری) استخراج گردید. این چارچوب در سه بُعد مبانی (مشمول بر حق‌گرایی، عدم تکبر، تقوا، ایمان، اطلاعات الهی، عمل صالح و موازین الهی)، موانع (مشمول بر کفرورزی، گمراهی، تشکیک، سیئات، فریبکاری و پیمان‌شکنی) و عوامل زمینه‌ساز (مشمول بر توفیق الهی، پایداری، آرامش، توکل، بصیرت، درستکاری، اعمال حسنه و مسئولیت‌پذیری) شکل گرفت و از طریق فن اعتمادپذیری و روش‌های مرور متخصصان و خودبازبینی با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و بهره‌گیری از مصاحبه نیمه ساختاریافته، اعتبارپذیری این چارچوب توسعه داده‌شده در دانشگاه‌ها به‌عنوان یک سیستم اجتماعی موردبررسی و چارچوب مفهومی تأیید و اعتباریابی شد.

کلیدواژه‌ها: پاسخگویی، قرآن، روایات، سیستم اجتماعی، مسئولیت‌پذیری.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۰/۰۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۲ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

◆ استناد به این مقاله: امیری، مهدی (۱۴۰۳): (مدل مفهومی سه بُعدی پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی مبتنی بر قرآن و روایات)، قرآن و علوم اجتماعی، ۴(۱۶)، ۱۴۱-۱۰۲، 10.22034/arq.2024.216762



۱. مقدمه

انسان بر خلاف سایر موجودات عالم هستی موجودی ناطق به معنای صاحب عقل و خرد است و به دلیل همین ویژگی‌های ذاتی، افعال و کردار او نیز برا این اساس سنجیده می‌شود و لذا مسئولیت انجام هر گونه عملی را بر عهده دارد. مسئولیت‌پذیری جامع و برآیند تمام ویژگی‌هایی است که در انسان به ودیعه گذاشته شده؛ از این رو می‌توان گفت اصل مسئولیت‌پذیری امری فطری بوده که ریشه در نهاد انسان دارد (روم: ۳۰). انسان‌ها به مقتضای نیازهای مختلف جسمی و روحی خود باید پاسخ مناسبی به این نیازهای خویش دهند که یکی از این نیازها، نیازهای مرتبط با امور و ارتباطات اجتماعی و وظایف او در برابر دیگران یا همان مسئولیت‌پذیری است. مسئولیت‌پذیری هم مانند سایر امور فطری نیازمند تقویت و شکوفایی است و تقوا و ایمان، به معنای عام و در جوامع مسلمان، دو زمینه اصلی مسئولیت‌پذیری در زندگی است. از یک طرف اگر انسان تقوای فطری نداشته باشد، از مسئولیت‌های فردی و اجتماعی خود شانه خالی می‌کند و از طرف دیگر قرآن در آیات متعددی بیان می‌کند که کسانی که ایمانشان ضعیف بوده و هنوز ایمان، در قلوبشان مستقر نشده، همچنین دچار شک و تردید هستند^۱ (توبه: ۴۵) در انجام وظایف محوله با شکست روبه‌رو می‌شوند؛ لذا هرگاه کسی در انجام امری قاطع باشد، هرچند این امر دنیوی باشد، می‌تواند مسئولیتی را که از وظایف او حاصل می‌شود به انجام برساند؛ اما کسی که برای انجام کاری، دچار شک و تردید است، نمی‌تواند در انجام آن کار موفق باشد (رستمیان، ۱۳۹۳: ۴۷)؛ بنابراین از آنجا که وظیفه‌شناسی، لازمه پاسخگویی صحیح و مناسب در همه زمینه‌ها به خصوص در اموری که بر عهده انسان گذاشته شده است و از سوی دیگر پاسخگویی، از منظر دینی مبتنی بر تقوا و ایمان است؛ اهمیت دوچندان تقوا و ایمان در زمینه پذیرش مسئولیت و پاسخگویی آشکار می‌گردد.

۱. «وَأَرْتَابٌ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ»؛ دل‌هایشان با شک و تردید آمیخته است؛ آن‌ها در تردید خود سرگردانند.

پاسخگویی،^۱ ابزاری برای دادن توضیح متعهدانه اعمال و تصمیمات نهاد به فرد یا نهاد دیگر (الوانی و احمدی، ۱۳۹۲: ۸) است. این امر، شامل هرگونه سازوکاری است که کارگزار یا وکیل را در برابر ذی‌نفعان پاسخگو می‌نماید (Mulgan, ۲۰۰۲: ۳). همچنین پاسخگویی به فرایندهایی گفته می‌شود که بر اساس آن شهروندان، مدیران دولتی را در برابر اقداماتشان مسئول می‌سازند (Aucion & Heintzman, ۲۰۰۰: ۴۷).

پاسخگویی، برای افراد مختلف معانی متفاوتی دارد (Mulgan, ۲۰۰۲: ۵) و ارائه تعریف مشترک و مورد توافق همه در مورد آن دشوار است (Pollitt and Hupe, ۲۰۱۱: ۶۴۵)؛ اما آنچه همه صاحب‌نظران در مورد آن اتفاق نظر دارند پیچیدگی، ابهام و وابستگی پاسخگویی به بستر و زمینه، سازمانی مورد بررسی است (Ebrahim & Weisband, ۲۰۰۷: ۱۵) به همین دلیل برخی از محققان معتقدند برای شناسایی و فهم ماهیت اصلی پاسخگویی و درک کارکردهای آن در زمینه و بسترهای مختلف و ارائه یک چارچوب مفهومی شفاف بایستی ذی‌نفعان گوناگون پاسخگویی را شناخت (Bergsteiner & Avery, ۲۰۰۸: ۶۳۱; Dubnick, ۲۰۰۵: ۳۷۷) در حالی که برخی محققان دیگر پاسخگویی را پدیده‌ای اجتماعی می‌دانند که توسط ذی‌نفعان در یک سیستم شکل می‌گیرد (Ebrahim, ۲۰۱۰: ۱۰۵).

در جمع‌بندی این مفهوم می‌توان گفت که به‌طور کلی پاسخگویی عبارت است از عمل مسئول دانستن و مورد پرسش واقع شدن سیستم‌های اجتماعی و افرادی که در این سیستم‌ها در قبال وظایف محوله مسئولیت دارند یا به عبارتی دیگر دلیل آوردن یا دلیل خواستن برای کارهای انجام‌شده و وظایف و امور انجام‌نشده و در بُعد اجتماعی به فرایندهایی گفته می‌شود که شهروندان، حاکمان را در برابر مسئولیت‌های محوله و برای رفتار و عملکردشان مسئول می‌دانند. پاسخگویی در این پژوهش شامل هرگونه ذهنیت (شناخت)، بینش و نگرش (عواطف) و حرکات و سکناتی (عمل - رفتار) است که فرد مسئول در سیستم اجتماعی

در برابر ذی‌نفعان متعدد باید به آن توجه داشته باشد و آن را به‌عنوان راهنمای فعالیت‌های خود مدنظر داشته باشد؛ از این رو که مطابق با آموزه‌های قرآنی، همه اعضا و جوارح انسان و حتی هر آنچه آدمی در ذهنیت خود نسبت به دیگران و نسبت به انجام یا عدم انجام بعضی اعمال دارد زمینه پاسخگویی را برای او فراهم می‌کند و لذا باید در برابر همه این مجموعه ذهنیات و اعمال هم در برابر خود، هم در برابر دیگران و هم در مقابل خداوند متعال پاسخگو باشد و این پاسخگویی شامل مجموعه‌ای متشکل از ادراکات، بینش‌ها و اعمال نسبت به ذی‌نفعان متعدد و مختلف است.

بر اساس آموزه‌های دینی بهترین راه برای ایجاد و توسعه عدالت اجتماعی، گسترش مفهوم مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی است (اصغری، ۱۳۸۳: ۳۲۶)؛ زیرا مطابق با آیات الهی و آموزه‌های دینی یک انسان باایمان نه تنها در این جهان و در برابر صاحبان حق بلکه در جهان دیگر نیز خود را پاسخگو در برابر اعمال خود می‌داند و در آن روز راه مقرّی از اعمال خود و حکومت الهی ندارد: «و لا يُمَكِّنُ الْفِرَآءُ مِنْ حُكُومَتِكَ». از دیدگاه اسلام، انسان «موجودی پاسخگو» است و معاد یکی از اصول دین اسلام است که به‌موجب آن انسان باید پاسخگوی تمام اعمال و رفتارهای خود باشد (علیخانی، ۱۳۸۴: ۵۶) در همین زمینه قرآن کریم در سوره انبیاء آیه ۲۳ «لَا يَسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ»؛ به‌جز خداوند، همه را مورد بازخواست و پرسش معرفی می‌کند.

در اسلام، کارگزاران و حاکمان عالی اسلامی باید نسبت به فعالیت زیردستان و افراد زیرمجموعه خود نظارت و حسابگری دقیق داشته و از آن‌ها در برابر مسئولیت‌های محوله پاسخ بخواهند (فولادی و شفیعی، ۱۳۹۷: ۱۹۵). در چارچوب بینش و باورهای اسلامی، پاسخگویی همانا بیان عرفی «انجام تکلیف» است. از این منظر، اصولاً فقه اسلامی بر پایه‌ی دوسویه‌ی «وظیفه - پاسخ» یا «تکلیف - انجام» شکل گرفته و بر مبنای چارچوب پاسخگویی ویژه‌ی خود، نظام‌مند شده است (نبوی، ۱۳۸۳: ۱۵۵). مؤمنان، از آن رو به تکالیف تقریبی و تعاملی خود عمل می‌کنند که در نظام تکوین و تشریح الهی، باید پاسخگوی تمامی لحظات

عمر کوتاه و حیات گذرای خود در بارگاه قدس الهی باشند و بتوانند کارنامه‌ی موفق‌ی از اعمال و انتخاب اولویت‌های خود در برابر نعمت‌های الهی که به آن‌ها ارزانی شده داشته باشند (نبوی، ۱۳۸۳: ۱۵۶).

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان چنین گفت که اهمیت پاسخگویی بر اساس آیات و روایات دینی و اسلامی در دو حوزه کلی فردی و اجتماعی ذکر شده است. از بُعد فردی، خداوند متعال اختیارات، توانمندی‌ها و ظرفیت‌هایی را در اختیار نوع بشر قرار داده و اهداف مشخصی را برای او مشخص کرده که در برابر این امور باید در برابر پیشگاه الهی پاسخگو باشد. به این معنا که نحوه بهره‌برداری از این استعدادها و ظرفیت‌ها بنا به اراده آزاد و قوه اختیار انسان مشخص می‌گردد چرا که آدمی ذاتاً موجودی صاحب تفکر و تعقل و دارای قوه تصمیم‌گیری آزاد بوده و خیر و شرش به دست خود او رقم می‌خورد و بنا بر فرموده آیات قرآنی، رشد و کمال و ضلالت و گمراهی‌اش به دست خود است: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره: ۲۵۶) و در دادگاه عدل الهی باید در برابر این مسئولیت‌ها و آزادی‌ها پاسخگو باشد. چرا که طی مسیر زندگی او بنا به قواعد مختلف دینی (از جمله قاعده مهاجرت، قاعده جبر و اختیار، قاعده تفکر و تعقل و...) به دست خودش مشخص می‌گردیده است. همچنین این انسان در حوزه فردی در برابر اعضا و جوارح خود نیز پاسخگوست: «إِنَّ أَلْسَمَعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء: ۳۶)؛ زیرا آن‌ها اماناتی‌اند که به عاریه به دستش سپرده‌اند و باید در برابر به‌کارگیری آن‌ها در حیات دنیوی نیز پاسخگو باشد.

در حوزه اجتماعی نیز زمانی که مردم با قدرت انتخاب خود، اختیارات و وظایفی را در اختیار کارگزاران خود قرار دادند و قدرت خود را به‌واقع به مسئولان خود تفویض کردند، باید در برابر این تفویض اختیار به این مردم پاسخگو باشند. به عبارت دیگر هر مسئولیتی که دیگری بر دوش کارگزاری قرارداد طبعاً پاسخگویی را به همراه خواهد داشت؛ بنابراین هر مسئولیتی بنا به دایره شمول و وسعتش، ارتباط تنگاتنگی با حوزه پاسخگویی دارد.

۲. مسئولیت سیستم‌های اجتماعی در اسلام

برخلاف جوامع غربی فارغ از ارزش که دین یک امر شخصی و خصوصی است (Rice, ۱۹۹۹: ۳۴۸) در بسیاری از نقاط جهان اسلام، اسلام در همه جنبه‌های جامعه از جمله سیاست، اجتماع، قانون و اقتصاد ادغام شده است (Aribi & GAO, ۲۰۱۰: ۷۵). دیدگاه اسلام برخلاف آموزه‌های غربی در خصوص مفهوم مسئولیت اجتماعی سازمان، دیدگاهی کلی‌نگر و معنوی یکپارچه‌گرا بر اساس آموزه‌های قرآن و سنت است (Ahmad, ۲۰۰۲: ۱۵).

بنا به گفته الشاطیبی در آموزه‌های اسلامی، تعیین سودمند یا مضر بودن چیزی برخلاف نظریه‌های غربی، تنها منوط به استدلال انسان نیست بلکه استدلال انسانی فقط در چارچوبی از راهنمایی‌ها نقش ایفا می‌کند (Nyazee, ۲۰۰۰: ۲۰). لذا در اسلام، نقش عقل و تجربه در تئوریزه کردن رفتارهای اقتصادی و فعالیت‌های تجاری با توجه به جنبه متعالی وجود انسانی و نیاز شدید او به هدایت الهی به دلیل محدودیت‌های ذاتی انسان، تأیید می‌گردد (Dusuki, ۲۰۰۸: ۷). در الگوی اسلامی، «پیوند شرعی» نقش حیاتی‌تری نسبت به «قرارداد اجتماعی» دارد و انسان را ملزم به تعهد همراه با فضیلت و آگاهی اخلاقی مطابق شرع در تعهدات خود رهنمون می‌سازد (Iqbal and Mirakhor, ۲۰۰۳: ۴۵) و بین حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی، تعادل برقرار می‌کند (Chapra, ۱۹۹۲: ۴۲۸) و از آنجا که شریعت و دین اسلام و مؤلفه‌های اصلی آن شامل، عقیده یا اعتقاد و ایمان^۱ به دلیل برخورداری از فقه اسلامی، باید از نظر زمانی، امری انعطاف‌پذیر، پویا و مرتبط با امور روز باشد (Dusuki, ۲۰۰۸: ۸) مرزهای آن (شریعت)، فراتر از افق محدود قانون است (Sardar, ۲۰۰۳: ۴۲) و مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها و قوانین است که شیوه زندگی اسلامی را تشکیل می‌دهد (Ahmad, ۲۰۰۲: ۱۴) لذا مفهوم مسئولیت اجتماعی کاملاً در پیوند مذهبی محاط^۲ شده است (Dusuki, ۲۰۰۸: ۱۴).

1. faith

2. inscribed

در آموزه‌های اسلامی و به‌طورکلی در اسلام، مسئولیت اجتماعی سازمان فقط به ملاک تعیین شده توسط شورای مشورتی شرع^۱ محدود نمی‌شود، بلکه در حقیقت با پذیرش ارزش آگاهی الهی^۲ (تقوا) در همه شرایط، معنای گسترده‌تری را شامل می‌شود (Arsad et al, ۲۰۱۴: ۱۶۵)؛ ازاین‌رو همه افراد در سازمان باید در هر موقعیتی نقش و مسئولیت خود را به‌عنوان خادمان و معاونان ایفا کنند (Dusuki, ۲۰۰۸: ۱۵)؛ بنابراین اندیشمندان مختلفی از جمله اریبی و ژائو (Aribi & GAO, ۲۰۱۰: ۷۷) معتقدند که نظریه‌های مختلفی همچون تئوری نمایندگی^۳، نظریه ذی‌نفعان^۴، نظریه مشروعیت^۵، نظریه اقتصاد سیاسی^۶، نظریه پاسخگویی^۷ و نظریه نهادی^۸ نظریه‌هایی هستند که در زمینه اقتصادهای بازار غربی توسعه و رواج یافته‌اند و کاربرد آن‌ها در سایر نقاط جهان به‌ویژه جوامع اسلامی که مشاغل در یک زمینه فرهنگی متفاوتی فعالیت دارند، جای سؤال دارد. همچنین، السراگ معتقد است که اصول اخلاقی اسلامی، چارچوب وسیع‌تری برای مسئولیت اجتماعی سازمان، فراهم می‌کند؛ زیرا از نظر مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، مسلمانان بر این باورند که آنچه در این دنیا انجام می‌دهند در آخرت (زندگی پس از مرگ) نتیجه می‌یابد (Elasrag, ۲۰۱۵: ۵).

چارچوب‌های نظری موجود در مورد افشای مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها، به‌ندرت دین را به‌عنوان پایه‌ای در توضیح اینکه چرا سازمان‌ها اطلاعات اجتماعی را افشا می‌کنند و همچنین در ارزیابی عملکرد سازمان از نظر تکمیل تعهد خود نسبت به خدا، جامعه و اکوسیستم، به رسمیت می‌شناسند (Haniffa and Cooke, ۲۰۰۷: ۳۹۴)؛ از طرف دیگر، انجام تحقیقات در خصوص پاسخگویی و حسابرسی در سازمان‌های مذهبی امری چالش‌برانگیز است زیرا

1. shariah advisory council (SAC)
2. godconsciousness
3. agency theory
4. stakeholder theory
5. legitimacy theory
6. political economy theory
7. accountability theory
8. institutional theory

درک و طبقه‌بندی فعالیت‌های مختلف انجام‌شده توسط سازمان‌های مذهبی ضروری است. سازمان‌های مذهبی معمولاً توسط افراد کاریزماتیک تأسیس می‌شوند که احساس می‌کنند نوعی هدف الهی وجود دارد که معتقدند مهم‌تر از پیروی از قوانین یا مقررات ساخته‌شده توسط انسان است. از دیگر چالش‌های ارزیابی میزان پاسخگویی سازمان‌های مذهبی این است که بخش اعظم کار و خروجی چنین سازمان‌هایی به موضوعات مربوط به روح می‌پردازد که به‌راحتی قابل اندازه‌گیری نیست. همچنین اندازه‌گیری دین که یکی از محصولات سازمان‌های مذهبی است دشوار است (Basri and Abdul Khalid, ۲۰۱۲: ۲۹).

آنچه در خصوص مفهوم مسئولیت اجتماعی سازمان در ادبیات اسلامی می‌توان بیان کرد این است که توسعه درک این مفهوم با بحث و بررسی مستقیم یا غیرمستقیم آن در اخلاق تجارت اسلامی آغاز شده است؛ زیرا مسئولیت اجتماعی سازمانی، ارتباط بسیار زیادی با رفتار اخلاقی تجارت دارد. درک مفهوم مسئولیت اجتماعی سازمان در اسلام می‌تواند به‌طور غیرمستقیم از چهار اصل اخلاقی نظریه اقتصاد اسلامی یعنی وحدت، تعادل، اراده آزاد و مسئولیت حاصل شود (Wan Jusoh et al, ۲۰۱۴: ۵۸) در همین زمینه، عثمان ریاض میر و همکاران معتقدند که سازمانی که وظایف خود را مطابق با اصول شرع انجام دهد، طبیعتاً به‌نوعی مسئولیت اجتماعی سازمان را عملیاتی کرده است (Riaz Mir, Usman et al, ۲۰۱۶: ۷۹) و این امر نشان‌دهنده ارتباط تنگاتنگ اصول دین اسلام با آموزه‌های اخلاقی در سازمان‌ها و سیستم‌های اجتماعی است.

در آموزه‌های اسلامی، هر مسلمان به‌عنوان یک موجود اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که نمی‌تواند نقش و مسئولیت خود را در برابر جامعه یا هر یک از هموعان خود نادیده بگیرد و انزوا را حتی به‌منظور پرستش الهی برگزیند (Majallah-al-Ahkam, ۲۰۰۱). در آموزه‌های اسلامی، مسئولیت اجتماعی تنها وظیفه دولت نیست بلکه کلیه اعضای جامعه تشویق می‌شوند که فداکاری کرده و ثروت خود را صرف فقرا و نیازمندان جامعه نمایند درحالی‌که انتظار پاداش متقابل را فقط از جانب خداوند دارند (Dusuki, ۲۰۰۸: ۱۶). ذی‌نفعان

پاسخگویی در سیستم (سازمان، بنگاه) اجتماعی اسلامی را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد که در جدول شماره ۱ به‌طور خلاصه به آن اشاره شده است.

جدول شماره ۱. ذی‌نفعان پاسخگویی در مؤسسات اجتماعی اسلامی^۱

جزئیات	گروه پاسخگویی
روابط بین موسسه و بنگاه اجتماعی پاسخگویی ^۳ با طرف‌هایی که محیط این سازمان‌ها را شکل می‌دهند: دولت: بنگاه‌های اجتماعی اسلامی پاسخگویی قوانین و رهنمودهای تعیین شده توسط دولت هستند. اهدآکنندگان: بنگاه‌های اجتماعی اسلامی، مسئولیت بالایی در قبال اهدآکنندگان دارند تا این اطمینان حاصل شود که منابعی را که دریافت کرده‌اند مطابق با اهداف ارائه شده و عاقلانه استفاده شده باشند.	پاسخگویی رو به بالا ^۲
رابطه بین بنگاه‌های اجتماعی اسلامی با طرف‌هایی که سعی در تأثیر بر آن‌ها دارند (زیردستان، مشتریان، ذی‌نفعان): زیردستان/مشتریان: بنگاه اجتماعی اسلامی باید به آن‌ها خدمت کند، زیرا تمرکز اصلی بر دستیابی به اهداف آن‌هاست. شرکا/متحدان: آن‌ها با بنگاه‌های اجتماعی اسلامی در زمینه اهداف مشابه در خدمت عموم مردم هستند.	پاسخگویی رو به پایین ^۵
رابطه بین بنگاه‌های اجتماعی اسلامی با طرف‌هایی که در درون خود سازمان هستند. اعضا: ایفاگران نقش‌های مهم در درون سازمان و سازمان. داوطلبان/کارمندان: کسانی که فعالیت‌ها و مأموریت‌های بنگاه اجتماعی اسلامی را در میدان عمل انجام می‌دهند.	پاسخگویی درونی: ^۸

1. Agyemang, 2009: 19-28; Ebrahim, 2010: 101-121; Jacobs & Wilford, 2007; Lee, 2004: 3-15; Leen, 2006; Najam, 1996: 339-354; O'Dwyer & Unerman, 1996: 446-471.

2. upward accountability

3. islamic social enterprise

4. donors

5. downward Accountability

6. beneficiaries/clients

7. partner/alliance

8. inwardly accountability

9. members

10. volunteers/staffs

جزئیات	گروه پاسخگویی
<p>رابطه بین بنگاه اجتماعی اسلامی با طرف‌هایی که مسئولیت‌ها را با یکدیگر به اشتراک بگذارند.</p> <p>رسانه: یک ابزار ارتباطی برای بنگاه (موسسه) اجتماعی اسلامی که نقش مهمی برای اطمینان از فعالیت‌های این سازمان‌ها و اینکه تصمیمات به اطلاع مردم رسانده می‌شود.</p> <p>موکلان:^۲ نقش آن‌ها به‌عنوان یک گروه ویژه برای پاسخگویی خارجی در بنگاه (موسسه) اجتماعی اسلامی.</p> <p>عمومی:^۳ بنگاه (موسسه) اجتماعی اسلامی برای پاسخگویی به اعتماد عمومی به عموم مردم و بقای بنگاه (موسسه)، باید این اقدام را انجام دهند.</p>	<p>پاسخگویی افقی^۱</p>

نگاه اسلام به مقوله پاسخگویی تا حدی متفاوت از این مفهوم در مقایسه با دیدگاه غربی است و مبتنی بر دو موضوع اصلی توحید (وحدت و یگانگی خداوند) و حاکمیت الهی شکل گرفته است؛ لذا پاسخگویی در اسلام نه تنها برای ذینفعان بلکه برای و در برابر خداوند نیز مدنظر قرار گرفته است. همچنین مطابق با آموزه‌های اسلامی، پاسخگویی انسان هم به امور دنیوی و هم به امور اخروی مربوط است و با مفاهیمی همچون اخلاق ارتباط تنگاتنگ دارد و مکمل مدیریت دولتی در یک حکومت دموکراتیک و مردم‌سالار است که می‌تواند، زمینه حکمرانی مطلوب و صحیح را فراهم آورد.

با توجه به آنچه ذکر شد می‌توان چنین گفت که در آموزه‌های اسلامی مسئولیت اجتماعی سیستم‌ها و سازمان‌ها در وهله اول متکی بر یکسری اصول و اعتقادات دینی و مذهبی همچون ایمان و تقوا است و دین بر تمامی جنبه‌های اجتماعی جامعه سایه افکننده و ثانیاً امری جمعی بوده و تک‌تک افراد جامعه نسبت آن مسئول و پاسخگو هستند؛ همچنین در آموزه‌های اسلامی این مسئولیت اجتماعی پیوند تنگاتنگی با تعهد اخلاقی افراد دارد و لذا در دین مبین اسلام مسئولان و

1. horizontal accountability

2. constituents

3. public

کارگزاران به عنوان خادمان مردم تلقی می‌شوند و در نهایت چارچوب این مسئولیت اجتماعی به دلیل اعتقاد مسلمانان به جهان آخرت و پس از مرگ، چارچوب وسیع‌تر و جامع‌تر و دیدگاهی کلی و همه‌جانبه‌تر است هرچند در عمل ممکن است این چارچوب‌ها و این مسئولیت اجتماعی رعایت نشود و فاصله بین تئوری و عمل در بعضی موارد زیاد باشد؛ ولی این امر چیزی از ارزش‌های واقعی دین مبین اسلام در بهره‌مند کردن آحاد مردم و سیستم‌های اجتماعی کم نمی‌کند و این عمل کارگزاران و عاملان است که وضعیت این سیستم‌های اجتماعی را به وضعیت مطلوب مدنظر اسلام نزدیک یا از آن دور می‌سازد.

از الزامات توسعه الگوی حکمرانی اسلامی و ایرانی، توسعه و تبیین الگوی پاسخگویی مبتنی بر مبنای و آموزه‌های اسلامی است؛ لذا این پژوهش به دنبال توسعه و طراحی یک چارچوب مفهومی پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی بر مبنای قرآن کریم است. لازم به ذکر است چارچوب کشف شده از نظر اعضای هیئت علمی برخی از دانشگاه‌ها اعتباریابی شده است.

۳. پاسخگویی در آموزه‌های دینی و آیات و روایات

الف) پاسخگویی در آیات

از دیدگاه قرآن و روایات دینی، جهان آفرینش و به تبع آن حیات انسانی دارای حساب و کتاب دقیقی بوده و عبث آفریده نشده است: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (مؤمنون: ۱۱۵) و در سرتاسر این کتاب آسمانی (عنکبوت: ۲؛ مؤمنون: ۱۱۵؛ بلد: ۷؛ اسراء: ۳۴ و ۳۶؛ طلاق: ۸؛ انبیاء: ۱؛ غاشیه: ۲۶) و آموزه‌های دینی تأکید وافر بر مسئولیت خواهی، پرسشگری و حسابرسی شده است به طوری که انسان باید پاسخگوی امانتی باشد که به او سپرده شده است همان امانتی که آسمان و زمین و کوه‌ها از قبول آن سر باز زدند: «عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَيُّنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ» (احزاب: ۷۲).

اهمیت پاسخگویی بر اساس آیات قرآنی در دو حوزه کلی فردی و اجتماعی ذکر شده است. از بُعد فردی، خداوند متعال اختیارات، توانمندی‌ها و ظرفیت‌هایی را در اختیار نوع بشر قرار داده و اهداف مشخصی را برای او مشخص کرده که در برابر این امور باید در برابر پیشگاه الهی پاسخگو باشد به این معنا که نحوه بهره‌برداری از این استعدادها و ظرفیت‌ها بنا به اراده آزاد و قوه اختیار انسان مشخص می‌گردد؛ چرا که آدمی ذاتاً موجودی صاحب تفکر و تعقل و دارای قوه تصمیم‌گیری آزاد بوده و خیر و شرش به دست خود او رقم می‌خورد و بنا بر فرموده آیات قرآنی، رشد و کمال و ضلالت و گمراهی‌اش به دست خود است: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» و در دادگاه عدل الهی باید در برابر این مسئولیت‌ها و آزادی‌ها پاسخگو باشد؛ چرا که طی مسیر زندگی او بنا به قواعد مختلف دینی (از جمله قاعده مهاجرت، قاعده جبر و اختیار، قاعده تفکر و تعقل و...) به دست خودش مشخص می‌گردیده است. همچنین این انسان در حوزه فردی در برابر اعضا و جوارح خود نیز پاسخگوست: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»؛ زیرا آن‌ها اماناتی‌اند که به عاریه به دستش سپرده‌اند و باید در برابر به‌کارگیری آن‌ها در حیات دنیوی نیز پاسخگو باشد. در حوزه اجتماعی نیز زمانی که مردم با قدرت انتخاب خود، اختیارات و وظایفی را در اختیار کارگزاران خود قرار دادند و قدرت خود را به‌واقع به مسئولان خود تفویض کردند، باید در برابر این تفویض اختیار به این مردم پاسخگو باشند. به عبارت دیگر هر مسئولیتی که دیگری بر دوش کارگزاری قرارداد طبعاً پاسخگویی را به همراه خواهد داشت؛ بنابراین هر مسئولیتی بنا به دایره شمول و وسعتش، ارتباط تنگاتنگی با حوزه پاسخگویی دارد.

ب) پاسخگویی در روایات

احادیث و روایات متعددی در خصوص مسئله مسئولیت و پاسخگویی ذکر گردیده است از جمله: پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «هر کس مسئولیت و مهتری مردمی را به عهده گیرد و با آنان به نیکی رفتار نکند، به ازای

هر روزی [که بر آنان مهتری کرده] هزار سال در لبه‌ای از دوزخ نگه‌داشته شود و با دست‌های زنجیرشده به گردنش، محشور گردد. پس اگر در میان آنان فرمان خدای متعال را برپا داشته باشد خداوند متعال او را آزاد کند و اگر ستم کرده باشد، خداوند او را در آتش دوزخ که ژرفایش به مسافت هفتادسال راه باشد، فرو اندازد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۶، ۱۲: ۴۳۵). در جای دیگری نیز آن حضرت چنین فرمودند که: «هر صاحب نعمتی از نعمت‌هایش بازخواست می‌شود، مگر آنچه در جهاد یا حج مصرف‌شده باشد» (ابن بابویه، ۱۴۱۵ ق: ۲: ۲۲۱).

همچنین، پیامبر رحمت همگان را نسبت به مسئله پاسخگویی توجه داده و بیان فرمودند: ^۱ «بدانید که همه شما مسئولید و همه شما نسبت به زیردستانش بازخواست می‌شوید؛ فرمانروای مردم، مسئول مردم است و نسبت به زیردستانش بازخواست می‌شود؛ مرد، سرپرست خانواده است و نسبت به آنان، بازخواست می‌شود؛ زن، مسئول خانه شوهر و فرزندان اوست و در برابر آنان، بازخواست می‌شود؛ برده، مسئول مال مالک خود است و در برابر آن، مسئول است؛ پس بدانید که همه شما مسئولید و همه‌تان در برابر زیردستان خود، بازخواست می‌شوید» (نیشابوری، صحیح مسلم، ۱۴۱۲ ق، ۳: ۱۴۵۹، ح ۲۰؛ سنن ابی داوود، ۱۴۲۰ ق، ۳: ۱۳۰، ح ۲۹۲۸). امام سجاد علیه‌السلام نیز در باب مسئولیت‌پذیری والدین نسبت به فرزندان بیان می‌دارند که: «حق فرزند تو این است ... در سرپرستی وی مسئولیت داری که ادب او را نیکو کنی و به‌سوی پروردگارش رهنمون سازی و در فرمان‌برداری از او، نسبت به وظایف تو و خودش، یاری‌اش دهی» (تحف العقول ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۲۶۳). امام علی علیه‌السلام نیز بیان می‌دارند: «شما را درباره آنچه نسبت بدان بازخواست می‌شوید و به‌سوی آن می‌روید، به پروا داشتن از خدا سفارش می‌کنم؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «هرکسی گروگان کار خود است» و در جای دیگری می‌فرماید: «خداوند شما را از خودش بر حذر می‌دارد و

۱. «أَلَا كَلَّمَكُمْ رَاعٍ وَكَلَّمَكُمْ مَسْؤُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ؛ فَالْأَمِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْؤُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْؤُولٌ عَنْهُمْ، وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْؤُولَةٌ عَنْهُمْ، وَالْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَهُوَ مَسْؤُولٌ عَنْهُ، أَلَا فَكَلَّمَكُمْ رَاعٍ وَكَلَّمَكُمْ مَسْؤُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ».

بازگشت به سوی خداست» و «سوگند به پروردگارت که از همه آن‌ها درباره آنچه می‌کرده‌اند، پرسش می‌کنیم» (مفید، ۱۴۱۴ ق، ۳: ۲۶۱). آن حضرت، انسان را نسبت به هر چیزی که او را احاطه کرده مسئول دانسته و می‌فرماید: «از خدا بترسید درباره بندگان او و سرزمین‌هایش؛ زیرا شما حتی نسبت به قطعه‌های زمین‌ها و چارپایان نیز باید پاسخگو باشید. از خدا اطاعت کنید و نافرمانی او نکنید» (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۶۷).

ایشان در فرمان حکومتی‌اش به مالک اشتر بیان می‌دارند که: «از انحصارطلبی در آنچه مردم در آن برابری و غفلت از آنچه در حوزه مسئولیت تو قرار دارد و در برابر دیدگان [مردم] روشن است، پرهیز؛ زیرا تو، به خاطر دیگران مؤاخذه خواهی شد و به‌زودی پرده‌های امور از برابر دیدگانت کنار خواهد رفت و داد ستم‌دیده از تو گرفته خواهد شد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰، ۱: ۲۱۸). همچنین در جای دیگری چنین بیان کردند که: «به کاری مشغول باش که از آن سؤال خواهی شد.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ۴: ۶۰۱).

در نهج‌البلاغه نیز مسئله پرسشگری و پاسخگویی دارای جایگاه و مقامی عالی و پسندیده است. امام علی (علیه‌السلام) پرسش و پرسشگری را کلید و دروازه دانش شمرده و در همین راستا در خطبه ۹۳ از مردم می‌خواهند که پیش از آنکه ایشان را از دست دهند، تمامی پرسش‌هایشان را با ایشان در میان بگذارند تا به آگاهی کامل برسند. امام در همین خطبه خود را محور و مدار جریان سالم پرسشگری و پاسخگویی دانسته، می‌فرماید: «اما اگر از دست بدهیم، در هنگامه جریان‌های ناخوشایند و مشکلات سهمگین، بسیاری از پرسشگران به دام می‌افتند و بسیاری از پاسخگویان به کارشان درمی‌مانند.»

آن حضرت تعهد، وظیفه‌شناسی و مسئولیت را مرز انسانیت به شمار می‌آورند و در خطبه ۱۷۵ غافلان بی‌مسئولیت را با عنوان «از خود بیگانگان و رها شدگان» مورد خطاب قرار می‌دهند و به آن‌ها اعلام می‌دارد که از تمامی کارها و اعمالشان بازخواست و پرسش خواهند شد و بر جدی گرفتن و مهم شمردن مسئولیت و وظیفه و انجام فرایض و اوامر الهی و اولویت‌بخشی به آن‌ها تأکید کرده و در

خطبه ۱۱۳ از مردم می‌خواهند آنچه را که خدا بر آنها واجب کرده، بدهکاری و دین خود تلقی کنند و از خداوند بخواهند که حقش را آن‌چنان که خواسته واجب کرده پیردازند. حضرت در خطبه ۱۷۶ می‌فرماید: «بکوشید از عهده مسئولیتی که خدا بر عهده شما گذاشته به‌درستی برآیید و انجام‌وظیفه کنید».

همچنین در فرهنگ و قاموس نهج‌البلاغه بر مسئولیت ویژه عالمان و توانگران نیز تأکید شده است و بیان امام (ع) در حکمت ۴۷۸ و ۴۲۵ شاهد و گواه این مدعا است.

امام علی (ع) رویکرد نظارتی و پاسخگویی را نه تنها خوشان در خصوص کارگزاران و عاملان خود اجرا می‌کردند (نهج‌البلاغه: نامه ۴۰) بلکه به کارگزاران نیز توصیه اکید می‌کردند که این امر را نسبت به افراد زیرمجموعه خود اجرایی کنند آنجا که می‌فرمایند: «آنگاه کارهایشان را بررسی کن و جاسوسانی راست‌گو و وفادار بر آنان بگمار، زیرا مراقبت نهانی تو از کارهای آنان، سبب امانت‌داری و مدارای ایشان با مردم است» (نهج‌البلاغه: نامه ۵۳)؛ آن حضرت در باب ضرورت پاسخگویی در مقابل مردم، به مالک اشتر می‌فرماید: «برای کسانی که به تو نیاز دارند، زمانی معین کن که در آن فارغ از هر کاری به آن پردازی، برای دیدار با ایشان به مجلس عام بنشین، مجلسی که همگان در آن حاضر توانند شد و برای خدایی که آفریدگار توست، در برابرشان فروتنی نمای و بفرمای تا سپاهیان و یاران و نگهبانان و پاسبانان به یک‌سو شوند تا سخنگویان بی‌هراس و بی‌لکنت زبان سخن خویش بگویند که من از رسول‌الله (ص) بارها شنیدم که می‌گفت: پاک و آراسته نیست امتی که در آن امت زبردست تواند بدون لکنت زبان حق خود را از قوی‌دست بستاند...» (نهج‌البلاغه: نامه ۵۳).

آن امام، برای اطمینان از اجرای پاسخگویی اداری، دارالقصاص را که کارکرد آن شبیه اداره استیناف امروزی است و برای شنیدن شکایات مردم در خصوص سوءاستفاده‌های اداری است، تأسیس کرد (الوانی و دانایی فرد، ۱۳۸۰).

به‌طورکلی پاسخگویی در حکومت امام علی (ع) جایگاه و اهمیت بالا و والایی دارد به‌طوری که ایشان استانداران خود را موظف به پاسخگویی به مردم کرده

بودند و این امر نمونه‌ای از پاسخگویی حاکمان و نظام سیاسی به مردم است (شهیدی، ۱۳۷۴). خود حضرت نیز به‌عنوان حاکم جامعه اسلامی، به‌طور مستقیم به اطرافیانش (رک. ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷ ق، ۱۵: ۱۳۷) و به مردم پاسخگو بودند (رک. فیض الاسلام، ۱۳۵۱، خطبه ۱۷۲ و خطبه ۱۶۲). دومین نوع پاسخگویی در حکومت امام علی (ع)، پاسخگویی مدیران و نظام سیاسی به رده‌های بالاتر بود به‌طوری‌که امام، والیان و مدیران خود را حسابرسی می‌کرد و والیان و استانداران نیز که از این شیوه حکومت‌داری امام اطلاع داشتند، خود را موظف به پاسخگویی می‌دیدند (فیض الاسلام، ۱۳۵۱، خطبه ۱۷۲ و خطبه، ۱۶۲).

ج) جمع‌بندی پاسخگویی در آیات و روایات

نگاه اسلام به پاسخگویی مبتنی بر دو موضوع اصلی است. مفهوم توحید (وحدت و یگانگی خداوند) و مفهوم مالکیت الهی (Maali, ۲۰۰۳؛ Maali, Bassam and Napier, Christopher, ۲۰۰۷). کمار الدین و اوزایر (۲۰۱۹) معتقدند که پاسخگویی در اسلام با دو مفهوم امانت و خلیفه الهی ارتباط نزدیک دارد. به این معنا که امانت نوعی اعتماد است که خداوند نسبت به همه نیازهای انسانی مسئولیت دارد. همچنین تمام منابع موجود در این جهان متعلق به خداوند (مالکیت) است و مردم فقط مدیریت آن منابع را بر عهده دارند. از طرف دیگر ارتباط پاسخگویی با مفهوم خلیفه به این صورت است که خلیفه کسی است که دارای قدرت است تا نیازهای انسانی را پاسخگو باشد و خلیفه، علاوه بر پاسخگویی در قبال خداوند باید در قبال دیگران نیز پاسخگو باشد (Kamaruddin, Muhammad Iqmal Hisham & Auzair, ۲۰۱۹).

محمد بیان می‌دارد که ادبیات پاسخگویی در آموزه‌های اسلامی از رابطه آن با زمینه اجتماعی غفلت کرده‌اند و همچنین فقدان شواهد تجربی که رابطه بین نظریه و عمل را در تحقیقات بررسی کند، مشهود است و علاوه بر این، ادبیات موجود در حوزه پاسخگویی اسلامی بر پاسخگویی عملکردی کوتاه‌مدت متمرکز است نه پاسخگویی استراتژیک (Mohamed, ۲۰۱۷).

معالی و همکاران (Maali et al, ۲۰۰۶) نیز معتقدند که پاسخگویی در اسلام دو نوع است؛ پاسخگویی به خداوند و پاسخگویی در برابر جامعه؛ همچنین، فاروق (Farook, ۲۰۰۷) معتقد است که سه اصل اساسی برای مبانی مسئولیت‌پذیری اجتماعی اسلامی وجود دارد که عبارت‌اند از: ۱. پاسخگویی بشر بر روی زمین؛ ۲. پاسخگویی الهی؛ ۳. وظیفه بشر برای امر به معروف و نهی از منکر.^۱ آنچه در سازمان‌های اسلامی مشهود است این است که حکمرانی خوب،^۲ سیستم کلی حقوقی، فرایندها و کنترل‌هایی که در داخل و خارج بر مدیریت یک نهاد باهدف حمایت از منافع همه ذینفعان برقرار شده (Hameed, ۲۰۰۷: ۱۶) شرط لازم برای پاسخگویی در اسلام است. همچنین سازمان متعهد به بالاترین استاندارد پاسخگویی، باید اقدام به تقویت شیوه‌هایی برای شفافیت،^۳ پاسخگویی و صداقت^۴ نماید (Basri, Hasan and Abdul Khalid, ۲۰۱۲: ۳۰).

به‌طور کلی اصل مسئولیت و پاسخگویی مدیران و کارگزاران در مقابل مردم و ذی‌نفعان، یکی از اصولی است که در آیات و روایات اسلامی بر آن تأکید زیادی شده است. برای شناسایی محورهای کلیدی این اصل مهم در سازمان‌دهی، مراجعه به آیات و روایات وارده از معصومین راهگشاست که به چند نمونه آن اشاره می‌گردد:

پاسخگویی مدیران و کارگزاران در مقابل مردم؛ پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «آگاه باشید همه شما در برابر تعهدات خود، نگهبان و مسئولید؛ پس حاکم و کارگزار در مقابل مسئولیتی که بر عهده دارد در برابر مردم مسئول و متعهد است» (نیشابوری، ۱۴۱۲ ق، ۳: ۱۴۵۹، ح ۲۰: سنن ابی داوود، ۱۴۲۰ ق، ۳: ۱۳۰، ح ۲۹۲۸).

تعادل مسئولیت و پاسخگویی؛ امام علی (ع) در نامه ۳۱ خطاب به فرزند بزرگوارش امام حسن (ع)، تعادل مسئولیت را مورد توجه قرار می‌دهد و می‌فرماید: «بیش از تحمل خود بار مسئولیت‌ها بر دوش مننه که سنگینی آن

1. good and forbid evil

2. good governance

3. transparency

4. integrity

برای تو عذاب آور است» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). امام علی (ع) همچنین در جای دیگری چنین بیان می‌فرماید که: «هر که تو را در چیزی که طاقت آن را نداشته باشی تکلیف کند، در حقیقت در نافرمانی خود فتوا داده است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۱۲۷۲).

مسئولیت‌پذیری متناسب با توانایی؛ امام علی (ع) در نامه ۶۱ نهج البلاغه چنین می‌فرماید که: «استی انسان در کارهایی که بر عهده اوست و پافشاری در کاری که از مسئولیت او خارج است، نشانه ناتوانی آشکار و اندیشه ویرانگر است» (نهج البلاغه: نامه ۶۱).

پاسخگویی مستمر در برابر مسئولیت؛ امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «اگر دیران تو را عیبی باشد و تو از آن غافلمانی بر آن بازخواست خواهی شد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ لذا تفویض اختیار به زیردستان نمی‌تواند بهانه‌ای برای رفع مسئولیت مقام بالاتر گردد و در هر حال مدیر و مافوق باید پاسخگوی زیردستانش باشد.

تکلیف‌گرایی در پاسخگویی؛ خداوند در آیه ۱۱۹ سوره بقره اهمیت تکلیف را چنین بیان می‌فرماید: «بِنَا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ»؛ ما تو را به حق، برای بشارت و بیم دادن (مردم جهان) فرستادیم؛ و تو مسئول (گمراهی) دوزخیان (پس از ابلاغ رسالت) نیستی! لذا بر این اساس رهبران و مسئولان در نظام اسلامی مأمور به وظیفه‌اند نه ضامن نتیجه هرچند این مأمور‌گرایی نباید دست‌آویزی برای کوتاهی و اهمال‌کاری باشد (مقیمی، ۱۳۹۵: ۷).

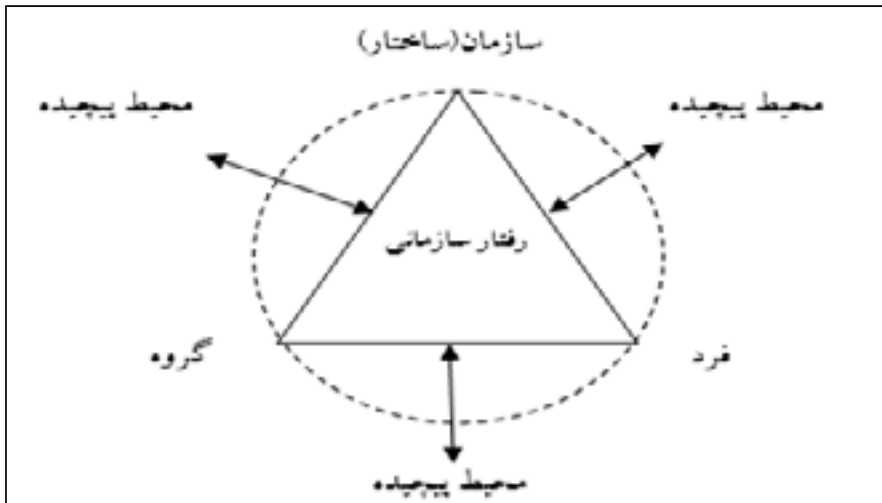
در جمع‌بندی این بخش می‌توان چنین گفت که پاسخگویی در اسلام هم پاسخگویی عمودی در برابر خداوند و هم پاسخگویی افقی نسبت به سایر افراد و جامعه را دربرمی‌گیرد و هر دو پاسخگویی برای ایمان یک مسلمان ضروری است (Sulaiman, ۲۰۰۵: ۳۷). از نگاه اسلامی باید کنترل و قوانینی برای هدایت رفتارهای شخصی و شغلی برای محافظت از حداقل استانداردها یا بازدارندگی در برابر اقدامات قانونی اعمال شود. به‌طورکلی در اسلام پاسخگویی نه‌تنها به ذینفعان بلکه پاسخگویی به خداوند است (Basri, Hasan and Abdul Khalid, ۲۰۱۲: ۳۱).

نکته دیگر اینکه، مفهوم پاسخگویی در اسلام به موازات مفهوم امانت‌داری است که در آن انسان، در قضاوت در خصوص اعمال خود، تحت تأثیر این ترس است که به خداوند باید پاسخ دهد. همچنین پاسخگویی در اسلام نه تنها برای ذینفعان بلکه برای خداوند نیز طراحی شده است. از سوی دیگر در آموزه‌های اسلامی پاسخگویی انسان هم در ارتباط با امور دنیوی و هم اخروی است (Basri et al, ۲۰۱۶: ۲۱۱) و لذا پاسخگویی در آموزه‌های دینی و اسلامی اولاً انجام تکلیف و وظیفه شرعی هر انسان مؤمن پرهیزکاری است و ثانیاً پاسخگویی امری چندجانبه و چندوجهی بین فردی و همچنین بین عبد و معبود است و نه صرفاً یک مسیر یک‌طرفه. همچنین پاسخگویی در آموزه‌های دینی امری بر خواسته از فطرت خداجو و حق‌جوی انسان بوده که ایمان و تقوای الهی زمینه‌ساز رشد و شکوفایی آن هستند که در صورت رشد صحیح آن می‌تواند منجر به توسعه عدالت اجتماعی در هر دو زمینه فردی و اجتماعی گردد. در دین اسلام، حکومت و مسئولیت همچون امانتی در دست حاکمان، مدیران و کارگزاران است و نظارت بر چگونگی استفاده و نگهداری از این امانت و ضرورت پاسخگویی در قبال این امانت را از مسلمات مبانی سیاسی و اعتقادی اسلام به شمار می‌آورند. دین مبین اسلام پاسخگویی را از دو بُعد فردی و اجتماعی و همچنین در رابطه مسئولیت فرد نسبت به اختیارات و توانمندی‌های خود و همچنین نسبت به پاسخگویی به خلق و با خالق مورد توجه قرار داده و در نهج‌البلاغه نیز پاسخگویی دارای جایگاه عالی و پسندیده‌ای است به طوری که در حکومت علوی (ع)، پاسخگویی به مطالبات مردم (حق‌الناس) از ابعاد روشن سیره سیاسی امام علی (ع) است.

۴. چارچوب پیشنهادی پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی مبتنی بر قرآن کریم

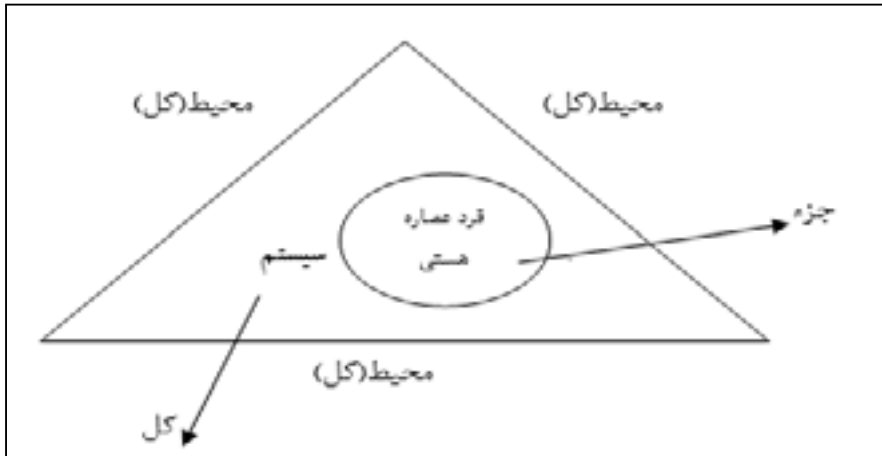
در دنیای پر تحول، پر بعد و دائم‌التغیر کنونی، سیستم‌های اجتماعی، سیستم‌های بسته‌ای نیستند که هیچ ارتباطی با محیط اطراف خود نداشته باشند؛ زیرا آن‌ها دائماً منابع گوناگون (انسانی، مالی و مادی) را از محیط اخذ و تولیدات خود را به محیط عرضه می‌کنند لذا سه سطح اصلی موردبررسی در رفتار سازمانی (فردی،

گروهی و سازمانی) دائماً با محیط خود در تعامل هستند یعنی هم اثر می‌پذیرند و هم اثر می‌گذارند (سازواری). انسان‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین مبنای مناسبات سیستم‌های اجتماعی دارای ارزش‌ها، فرهنگ، شخصیت، هنجارها، نگرش‌ها، ادراکات و توانایی‌های متعددی هستند که همواره همراه انسان‌ها هستند و این ویژگی‌ها برگرفته و مؤثر از محیط‌های مختلف تربیتی و خانوادگی افراد است؛ لذا افراد هنگام ورود به سیستم‌های اجتماعی خنثی نیستند و این ویژگی‌ها را با خود به همراه دارند (شکل شماره ۱). در این چنین شرایطی سیستم‌های اجتماعی در ابتدا مجموعه‌هایی هستند متشکل از افرادی با آداب و رسوم فرهنگی، نظام اعتقادی، پیشینه قومی، ویژگی‌ها و خصلت‌های نژادی، شرایط متفاوت تربیتی و اجتماعی که هر یک از این ویژگی‌ها، شخصیت و هویت این افراد را از کودکی شکل داده و منجر به شکل‌گیری یک من منحصربه‌فرد می‌گردد که البته در عین وجوه افتراق، وجوه اشتراکی با دیگر اعضا سیستم اجتماعی دارد.



شکل شماره ۱. تعامل مبانی سه‌گانه رفتار سازمانی با محیط در سیستم‌های اجتماعی

هر فرد در محیط سیستم اجتماعی هم جزئی از آن سیستم محسوب می‌شود که وجه تمثیلی آن شبیه به یک قطعه یک جورچین سازمانی است که به اندازه خود در تکمیل این جورچین می‌تواند نقش آفرین باشد (البته بسته به مؤثر بودن آن فرد در محیط دستگاهی، اندازه اثر و نحوه تکمیل‌کنندگی‌اش می‌تواند متفاوت باشد) و در عین حال خودش یک موجودیتی مستقل است که کلیت دارد از این لحاظ که انسان جهان اصغر است که چکیده‌ای از هستی در او موجود است. در این باره غزالی نیز بر آن است که اگر اجزای عالم جدا شود و اجزای آدم نیز مانند آن جدا گردد، اجزای آدم را شبیه عالم اکبر خواهی یافت و تمام اجزای هر دو، بدون تردید متشابه است (غزالی، ۱۳۸۶: ۱۷: ۵۷) و در رسایل فلسفی اخوان‌الصفاء نیز آمده است: «بدان که حکمای اولین چون به عالم جسمانی با دیدگانشان نظر انداختند و ظواهر امور عالم را با حواسشان مشاهده کردند و در احوالشان با تعقل اندیشیدند، هیچ جزئی از جمیع اجزاء آن را نیافتند مگر آن که صورت کامل و مشابه آن در انسان وجود داشت» (رسایل اخوان الصفاء، ۱۹۵۷م: ۴۵۷-۴۵۶)؛ بنابراین انسان در عین جزء بودن، کلیت نیز دارد (جزء در کل هستی و کلیتی در کل هستی و جزئی از سیستم اجتماعی) لذا یک فرد در سیستم اجتماعی در عین اینکه جزء کوچکی از آن سیستم است ولی موجودیتش، کلیتی در آن سیستم محسوب می‌شود. با این تفاسیر، فردیت اعضا در سیستم‌های اجتماعی، اجزائی‌اند که در عین جزئی از سیستم بودن، کلیت دارند، در این چنین شرایطی این افراد واجد همان خصوصیات اند که در بالا به آن اشاره شد و وجه نمادین آن در شکل شماره ۲ آورده شده است.



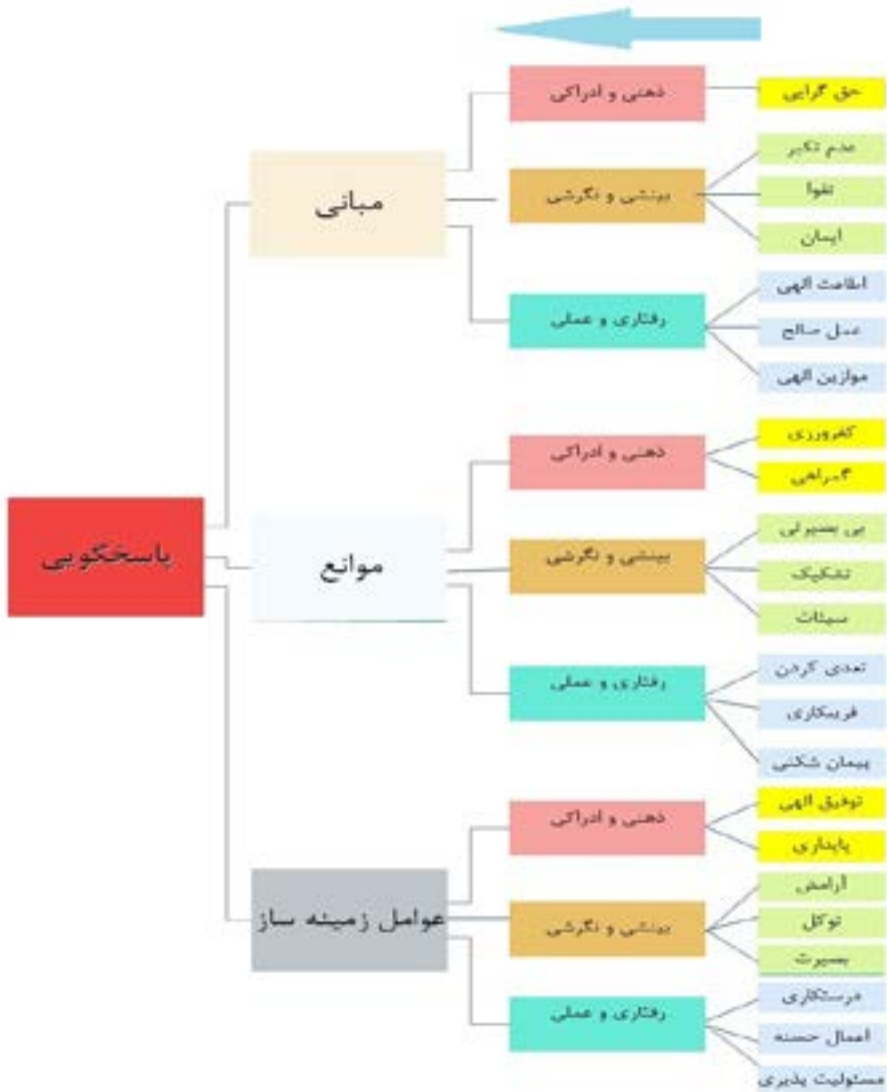
شکل شماره ۲. فرد به‌عنوان یک کلیت در محیط سیستم

منبع: نویسنده

سیستم‌های اجتماعی سیستم‌های بسته‌ای نیستند که هیچ ارتباطی با محیط پیرامون خود نداشته باشند زیرا فلسفه وجودی ایجاد و شکل‌گیری سیستم‌های اجتماعی رفع نیازی از نیازهای اجتماعی است و حتی اگر فرض کنیم هیچ منبع مادی را از محیط نگیرند دست کم ترکیبی از منابع انسانی است که همان‌طور که پیش‌تر گفته شد واجد کلیه خصوصیات جهان هستی است؛ بنابراین بسته‌ترین سامانه‌ها در عین حال ترکیبی از عناصر محیطی است. از طرف دیگر شکل‌گیری یک سیستم در خلأ رخ نمی‌دهد بلکه در بستر یک محیط بروز و ظهور می‌یابد؛ بنابراین در تحلیل‌های جدید از رفتار سازمانی دیگر نمی‌توان سیستم را یک سیستم بسته یا حتی باز در نظر گرفت چرا که باز بودن سیستم‌ها امری بدیهی است و فراتر از آن باید آن‌ها را به‌عنوان یک سیستم پیچیده سازوارشونده در نظر گرفت. از نظر و دیدگاه پیچیدگی، سیستم‌های اجتماعی، سیستم‌های پویایی هستند. آن‌ها سیستم‌های پیچیده سازوار شونده‌ای هستند که متشکل از عامل‌ها (مردم) که آزمایش می‌کنند، اکتشاف، خود-سازماندهی، یادگیری و انطباق (با درجات مختلف) در برابر تغییراتی که در محیط خوددارند. آن‌ها در افراد، گروه‌ها، سطوح

گروهی و بخشی و همچنین در محیط‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تپیده شده‌اند. به عبارت دیگر سیستم‌های پیچیده سازوارشونده در همه جهان طبیعی اعم از موجودات نسبتاً ساده مانند ویروس‌ها تا لانه‌های مورچه‌ها و تا موجودات پیچیده همچون پستانداران وجود دارند (Carlisle, Ysanne & McMillan, ۲۰۰۶: ۵)؛ به قول مولانا «اندر دل هر ذره تابان شده خورشیدی در باطن هر قطره صد جوی روان ای جان» (مولوی، ۱۳۷۸، غزل ۱۸۶۸) یا به قول هاتف اصفهانی «دل هر ذره را که بشکافی آفتابش در میان بینی» (هاتف اصفهانی، ۱۳۸۵: ۳۹)؛ از این رو در پژوهش پیش رو تلاش گردیده است تا در یک گستره وسیع، پر بُعد و پر برآیند و در یک فضای مفهومی نسبتاً گسترده به بررسی مفهوم پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی مبتنی بر قرآن کریم پرداخته شود. در این راستا بر مبنای روشی جدید (فرایند چرخه‌ای تحلیل) که ابتدا سارانتاکوس (۱۹۹۸) به‌طور مختصر به‌عنوان یک روش تحلیل کیفی مشتمل بر چهار گام گردآوری داده‌ها و اطلاعات، تقلیل داده‌ها، سازمان‌دهی و تفسیر داده‌ها مطرح نمود و سپس ترک‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) بر اساس تجربه خود در کاربست این روش در برخی پژوهش‌ها و نیز با نظر به مقتضیات زمینه‌ای تولید و توسعه دانش مدیریت اسلامی، این روش را به شرح ذیل توسعه داده است که ضمن این روش پژوهشگر به گردآوری و تحلیل عمیق پدیده پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی در بافت و زمینه قرآن کریم پرداخته و سپس چارچوب مفهومی پاسخگویی مبتنی بر قرآن کریم در سیستم‌های اجتماعی را توسعه داده، کوشیده شد از طریق مطالعه و تدبیر بر روی آیات قرآن کریم و همچنین بهره‌گیری از فهرست موضوعی کتب تفسیر نور و نمونه، آیه‌هایی که ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با مفهوم پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی در آیات نورانی قرآن کریم داشتند بررسی و تحلیل شده و با طی کردن مسیر پیش‌رونده روش تحلیل مورد ذکر، چارچوب مفهومی به دست آید که در این پژوهش شامل؛ مبانی، موانع و عوامل زمینه‌ساز پاسخگویی در سه حوزه شناختی (ادراکی، ذهنی)، عاطفی (بینشی و نگرشی) و رفتاری (عملی) بوده است و در نهایت چارچوب مذکور توسط مصاحبه نیمه ساختار یافته با ۲۰ نفر از اعضای هیئت علمی

دانشگاه‌ها به‌عنوان صاحب‌نظران کلیدی و آگاهی‌دهندگان متخصص و مجرب تأیید و اعتباریابی گردید (شکل شماره ۳).



<https://arq.quran.ac.ir>

شکل شماره ۳. چارچوب اعتباریابی شده مفهومی توسعه‌یافته پاسخگویی های اجتماعی مبتنی بر قرآن کریم در سیستم

در این پژوهش، اطلاعات گردآوری شده، پیرامون مفهوم پاسخگویی مبتنی بر قرآن کریم و از طریق مطالعه و تدبیر بر روی آیات قرآن کریم و همچنین بهره‌گیری از فهرست موضوعی کتب تفسیر نور و نمونه، آیه‌هایی که ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با موضوع پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی و کارکردهای آن داشتند، انتخاب و مورد مذاقه و بررسی بیشتر قرار گرفتند و به‌این ترتیب، اطلاعات در گستره وسیعی گردآوری و هم‌زمان و به‌طور مستمر، دسته‌بندی و کاویده شده‌اند تا به اکتشاف (تشخیص و شناخت) جوانب مختلف مفهوم پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی منجر گردید که در این مرحله ۳۰۵ مفهوم پایه استخراج گردید. در مرحله بعدی پژوهش، مطابق با فرایند چرخه‌ای تحلیل (ترکزاده و همکاران، ۱۳۹۹) به تقلیل احیاگرانه‌ی داده‌ها (مفاهیم پایه) پرداخته شد. در واقع در این مرحله تلاش گردید تا ۳۰۵ کد گردآوری شده در مرحله اول را که دارای قرابت محتوایی بودند در ذیل یک عنوان مشترک (کدمحوری، اطلاعات معنادار) که به‌نوعی دربرگیرنده یا پوشش‌دهنده داده‌های کیفی دسته مربوطه می‌باشند، کدگذاری یا دسته‌بندی شوند. منظور از قرابت محتوایی، نزدیکی مقوله‌ها از لحاظ مفهوم، همجنسی یا هم‌خانواده بودن آن‌ها یا قرار گرفتن آن‌ها در یک مجموعه یا خط سیر مفهومی منطقی است. لذا مفاهیم پایه احصا شده در مرحله قبل، در ذیل ۹۲ کد محوری دسته‌بندی و مفهوم‌سازی شدند.

در مرحله سوم پژوهش، با ترکیب اطلاعات و شناخت حاصل از مراحل پیش (گردآوری اطلاعات و تقلیل احیاگرانه داده‌ها)، به سازماندهی و تحلیل اطلاعات کیفی گردآوری شده پرداخته شد. منظور از سازماندهی اطلاعات، جمع‌بندی و طبقه‌بندی نهایی اطلاعات گردآوری شده از قرآن کریم و ارائه نتایج به‌صورت سازمان‌یافته است. در این مرحله تلاش شد اطلاعات کدگذاری شده در مرحله قبل در کدهای معنادارتری قرار داده شود تا هم درک این مفهوم برای خواننده سریع‌تر اتفاق بیفتد و هم امکان مقایسه سریع‌تر بین پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم و سایر منابع و متون فراهم آید. منظور از سازماندهی اطلاعات، جمع‌بندی و طبقه‌بندی نهایی اطلاعات مرتبط با مفهوم پاسخگویی و ارائه نتایج به‌صورت سازمان‌یافته است.

در مرحله چهارم، مفاهیم سازماندهی شده مرحله قبل به‌منظور دستیابی به محورهای

اساسی مفهوم پاسخگویی، سازماندهی مجدد گردید بدین معنا که اطلاعات سازماندهی شده با عنایت به ماهیت و کارکردی که می‌توانستند در یک نظام پاسخگویی ایفا نمایند جمع‌بندی و در طبقات معین‌تر و مشخص‌تر، طبقه‌بندی گردید و بدین‌سان مفاهیم فراگیر سطح اول فراوری مجدد گردید و منجر به شکل‌گیری یک طبقه‌بندی نهایی (فراگیر سطح دوم) مشتمل بر سه محور مبانی، موانع و عوامل زمینه‌ساز به‌عنوان محورهای پاسخگویی مبتنی بر قرآن کریم گردید.

در قسمت دوم پژوهش چارچوب مفهومی به‌دست‌آمده در دو بُعد ساختاری و کارکردی توسط صاحب‌نظران متخصص و مجرب در حوزه آموزش عالی که هم‌زمان در خصوص مبانی دینی و قرآنی مطلع و آگاه بودند اعتباریابی گردید که ضمن اعمال نقطه نظرات ایشان، مدل مفهومی نهایی مشتمل بر سه محور مبانی، موانع و عوامل زمینه‌ساز و در سه حوزه شناختی (ادراکی - ذهنی)، عاطفی (بینشی - نگرشی) و رفتاری (عملی) طبقه‌بندی گردید (شکل شماره ۳).

الف) مبانی پاسخگویی مبتنی بر قرآن کریم

مبانی پاسخگویی، اولاً پیش‌نیازها، الزامات و پیش‌زمینه‌های پاسخگویی و در ثانی آن نوع از مبانی است که هدایتگر انسان و همچنین سیستم اجتماعی در جهت نیل به سعادت و کمال انسانی و اجتماعی مدنظر دین اسلام است و از جهان‌بینی و معرفت‌شناسی غربی که عمدتاً متکی بر فلسفه مادی‌گرایانه و کسب سود دنیوی هستند، متفاوت است. این مبانی به‌عنوان پیش‌نیازهای و پیش‌زمینه‌های لازم برای پاسخگویی در هر سیستم اجتماعی نیاز است؛ به‌عبارت‌دیگر این مبانی، عوامل ایجابی پاسخگویی هستند. در این پژوهش این مبانی مشتمل بر حق‌گرایی به‌عنوان مبانی ذهنی و ادراکی (شناختی)؛ عدم تکبر، تقوا و ایمان به‌عنوان مبانی بینشی و نگرشی (عاطفی)؛ اطاعت الهی، عمل صالح و موازین الهی به‌عنوان مبانی عملی و رفتاری شناسایی و تدوین گردیده است و به این معناست که برخی از این مبانی مربوط به حوزه تفکرات و ذهنیات درونی، بخشی مربوط به نگرش‌ها، هنجارها و عقاید و برخی مربوط به حوزه عمل و رفتار عاملان پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی - عقلانی است و این سه حوزه در عین اینکه مستقل بوده و خود به‌نوعی مبانی پاسخگویی هستند ولی هر یک زیربنا و شالوده‌ای برای سطح بعد است و

درعین حال هر سه حوزه باهم ارتباط معنایی و تنگاتنگی دارند.

ب) موانع پاسخگویی مبتنی بر قرآن کریم

موانع، چیزهایی که بازدارند و ممانعت کنند کسی را از کاری و هر آنچه مانع اجرای کاری گردد (دهخدا، ۱۳۷۷). موانع پاسخگویی، مجموعه عواملی هستند که از پاسخگویی مطلوب و اثربخش جلوگیری کرده و وجود این موانع می‌تواند منجر به کژ کارکردی سیستم گردند. به عبارت دیگر موانع، عوامل سلبی پاسخگویی هستند که همچون سدی در برابر پاسخگویی صحیح و مطلوب ممانعت ایجاد می‌کنند. میرسپاسی و باقرزاده (۱۳۸۵) ضمن آسیب‌شناسی نظام پاسخگویی در سازمان‌های دولتی، موانع پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی را شامل موانع ساختاری (نارسایی قوانین، نامناسب بودن ساختارهای کنترلی، عدم ضمانت اجرای قوانین، فقدان سازوکارهای نظارت مدنی، نامطلوب بودن ساختارهای تشکیلاتی و محدودیت در رسیدگی‌های خارج از سازمان)، موانع کارکردی (عدم پابندی مدیران به اجرای قوانین، وجود نارسایی در اجرای نظام مشارکت، نامناسب بودن روش‌های ارزیابی مدیران، ناآگاهی مردم به حقوق شهروندی خود، جذب و به کارگیری مدیران ناکارآمد) و موانع محیطی (عدم پرسشگری نهادهای مدنی، وجود دواپارگی هنجاری و واگرایی آن، تضعیف باورهای دینی در عرصه‌های اجرایی) می‌دانند. قلی‌پور (۱۳۸۳): ۹۵-۹۳) موانع پاسخگویی در ایران را تعدد نهادها و سازمان‌های متولی امر عمومی در کشور، ناکارآمدی دستگاه‌های نظارتی و ذی‌نفع بودن آن‌ها در نمونه مورد نظارت، عدم شایسته‌سالاری و نظام نامناسب انتخاب و عدم تناسب بین اختیارات و وظایف محوله می‌داند. همان‌طور که پژوهش‌های مورد اشاره نشان می‌دهد این پژوهش‌ها، به بررسی موانع پاسخگویی به صورت کلی و در چارچوب نظام اداری کشور اشاره دارند که مبتنی بر ادبیات و آموزه‌های برگرفته از مدیریت ترجمه‌ای فرهنگ غربی و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، مبتنی بر، لیبرال - دموکراسی و شهروندمداری مادی گرایانه و دنیوی و سبک زندگی متفاوت با سبک زندگی اسلامی است.

درواقع آنچه باید به آن توجه نمود این است که موانع پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی برگرفته از قرآن کریم، متفاوت با آن چیزی است که پژوهش فوق یا پژوهش‌های مشابه به آن پرداخته‌اند. در فضای مفهومی این پژوهش موانع

در سه حوزه؛ ذهنی و ادراکی (شناختی) شامل؛ کفرورزی و گمراهی، حوزه بینشی و نگرشی (عاطفی) شامل؛ بی‌بصیرتی، تشکیک و سیئات و حوزه عملی و رفتاری شامل؛ تعدی کردن، فریکاری و پیمان‌شکنی دسته‌بندی گردیده‌اند و به این معناست که برخی از این موانع مربوط به حوزه تفکرات و ذهنیات درونی، بخشی مربوط به نگرش‌ها، هنجارها و عقاید و برخی مربوط به حوزه عمل و رفتار عاملان پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی - عقلانی است و این سه حوزه در عین اینکه مستقل بوده و خود به‌نوعی موانع پاسخگویی هستند؛ ولی هر یک زیربنا و شالوده‌ای برای سطح بعد است و در عین حال هر سه حوزه باهم ارتباط معنایی و تنگاتنگی دارند.

ج) عوامل زمینه‌ساز پاسخگویی مبتنی بر قرآن کریم

منظور از عوامل زمینه‌ساز، عواملی هستند که می‌توانند نقش محرک، انگیزش دهنده و تقویت کننده در جهت پاسخگویی سیستم‌های اجتماعی داشته باشند. وجود این عوامل زمینه‌ساز، باعث انجام پاسخگویی می‌گردد به طوری که فقدان این عوامل، باعث می‌شود عمل پاسخگویی یا رخ ندهد یا در صورت رخ دادن به صورت ناقص انجام گیرد؛ لذا این عوامل بسترسازی لازم برای پاسخگویی را به وجود می‌آورند. از منظری دیگر، اگر مبانی، شروط لازم هستند، عوامل زمینه‌ساز، علل کافی‌اند. این عوامل می‌توانند باعث شوند تا عمل پاسخگویی به بهترین شکل ممکن رخ دهند و در صورت نبود این عوامل نمی‌توان در خصوص شکل‌گیری عمل پاسخگویی مطمئن بود.

آنچه مسلم است این است که این عوامل زمینه‌ساز، متفاوت با عوامل زمینه‌ساز در علوم رایج فعلی و برگرفته از ادبیاتی متفاوت با ادبیات مدیریتی و سازمانی حال حاضر بوده و در فضای دینی و قرآنی شکل گرفته است؛ لذا در فضای مفهومی این پژوهش این عوامل زمینه‌ساز در سه حوزه؛ ذهنی و ادراکی (شناختی) شامل؛ توفیق الهی، پایداری، بینشی و نگرشی (عاطفی) شامل؛ آرامش، توکل و بصیرت و عملی و رفتاری شامل؛ مسئولیت‌پذیری، درستکاری و اعمال حسنه می‌باشند و به این معناست که برخی از این عوامل مربوط به حوزه تفکرات و ذهنیات درونی، بخشی مربوط به نگرش‌ها، هنجارها و عقاید و برخی مربوط به حوزه عمل و رفتار عاملان پاسخگویی

در سیستم‌های اجتماعی - عقلانی است و این سه حوزه در عین اینکه مستقل بوده و خود به نوعی عوامل پاسخگویی هستند؛ ولی هر یک زیربنا و شالوده‌ای برای سطح بعد است و در عین حال هر سه حوزه باهم ارتباط معنایی و تنگاتنگی دارند.

نتیجه‌گیری

پاسخگویی یکی از ارکان اصلی مدیریت در جوامع امروزی است که می‌تواند تصویری از عدالت اجتماعی، برابری، اعتماد و انصاف ارائه دهد و در نگاه اسلامی با عنایت به تأکیدات مؤکد آیات و روایات مختلف، موضوع پاسخگویی و مسئولیت‌های مرتبط با آن جایگاه ویژه‌ای دارد و قلمروهای مختلف زمانی، مکانی و موضوعی و همچنین دنیوی و اخروی را در برمی‌گیرد. این پژوهش سه بُعد مبانی، موانع و عوامل زمینه‌ساز را به‌عنوان چارچوب پیشنهادی پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی مبتنی بر قرآن کریم پیشنهاد داده است. منظور از مبانی زیربناها، بنیادها، شالوده‌ها، بنیان، اساس، پایه و ریشه پاسخگویی است که به‌عنوان پیش‌نیازهای و پیش‌زمینه‌های لازم برای پاسخگویی در هر سیستم اجتماعی نیاز است؛ به‌عبارت‌دیگر این مبانی، عوامل ایجابی پاسخگویی هستند. منظور از موانع در این پژوهش، عوامل سلبی پاسخگویی هستند که همچون سدی در برابر پاسخگویی صحیح و مطلوب ممانعت ایجاد می‌کنند و در نهایت منظور از عوامل زمینه‌ساز، عواملی هستند که می‌توانند نقش محرک و تقویت‌کننده در جهت پاسخگویی سیستم‌های اجتماعی داشته باشند. از طرف دیگر این وجود این عوامل باعث انجام پاسخگویی می‌گردد به طوری که نبود این عوامل، باعث می‌شود عمل پاسخگویی یا رخ ندهد یا در صورت رخ دادن به‌صورت ناقص انجام گیرد؛ لذا این عوامل بسترسازی لازم برای پاسخگویی را به وجود می‌آورند. از منظری دیگر، اگر مبانی، شروط لازم هستند، عوامل زمینه‌ساز، علل کافی‌اند. این عوامل می‌توانند باعث شوند تا عمل پاسخگویی به بهترین شکل ممکن رخ دهند و در صورت نبود این عوامل نمی‌توان در خصوص شکل‌گیری عمل پاسخگویی مطمئن بود.

فهرست منابع

- *قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، چاپ چهارم، قم: اسوه، ۱۳۹۰.
- ابن ابی الحدید. (۱۳۸۷ق). شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن بابویه. (۱۳۶۹ق). کتاب من لایحضره الفقیه (ترجمه و متن)، ترجمه محمدجواد غفاری، صدر بلاغی، علی اکبر غفاری، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- ابی داوود، سلیمان ابن اشعث. (۱۴۲۰ق). سنن ابی داود، قاهره: دارالحديث.
- اخوان الصفاء. (۱۹۷۵م). رسایل اخوان الصفاء و خلان الوفا، بیروت: انتشارات دار صادر.
- اصغری، محمود. (۱۳۸۳). «نقش پاسخگویی و تأثیر آن در عدالت اجتماعی»، اندیشه حوزه، شماره ۴۹ و ۵۰، صص ۳۲۹-۳۱۳.
- الوانی، سید محمد؛ احمدی، کیومرث. (۱۳۹۲). «مفهوم پاسخگویی اجتماعی سازمانی و ضرورت تبیین مؤلفه‌های آن در سازمان‌های دولتی ایران». فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی. سال اول. شماره ۳. صص ۱۶-۷.
- الوانی، سید محمد؛ دانایی فرد، حسن. (۱۳۸۰). «مدیریت عمومی و اعتماد عمومی»، دانش مدیریت، ۱۴: ۵۵، صص ۳۳-۲۶.
- ترک‌زاده، جعفر، امیری، مهدی، مرزوقی، رحمت اله، سلمانپور، محمدجواد و جهانی، جعفر. (۱۳۹۹). مبانی دینی پاسخگویی در قرآن کریم: راهبردی برای سیستم‌های اجتماعی - عقلانی. دوفصلنامه عقل و دین. سال ۱۲. شماره ۲۲. صص ۹۱-۱۱۲.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). غررالحکم و دررالکلم، ج ۷۳. قم: دارالکتب الاسلامی.
- حرانی، ابن شعبه. (۱۳۸۲). تحف العقول، ترجمه صادق حسن‌زاده، قم: آل علی (ع).
- دشتی، محمد. (۱۳۸۳). نهج البلاغه، چاپ دوم، قم: سبط النبی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه، چاپ اول، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- رستمیان، محمدعلی. (۱۳۹۳). «مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی از دیدگاه قرآن و روایات اهل بیت (ع)». پژوهشنامه حکمت اهل بیت (علیهم السلام). سال اول. شماره ۲. صص ۵۰-۳۱.
- سبزواری. (۱۴۱۷ق). شرح منظومه، ج ۱، به کوشش حسن زاده آملی، تهران: ناب.
- شهیدی، سیدجعفر. (۱۳۷۴). ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.
- علیخانی، علی اکبر. (۱۳۸۴). نحوه پاسخگویی در نظام جمهوری اسلامی، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲۶. صص ۸۱-۵۱.
- غزالی، محمد. (۱۳۸۶). احیاء علوم الدین، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی، ترجمه مؤید الدین محمد خوارزمی به کوشش حسین خدیو جم، ج ۱۷، چاپ ششم، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- فولادی، حفیظ‌الله و شفیعی، عباس. (۱۳۹۷). «پاسخگویی کارگزاران از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه»، پژوهش‌های نهج البلاغه. سال هفدهم. شماره ۵۷. صص ۲۰۶-۱۹۱.
- فیض الاسلام اصفهانی، علیقتی. (۱۳۵۱). ترجمه و شرح نهج البلاغه. چاپ افسست. تهران: سازمان

- چاپ و انتشارات فقیه.
- قلی‌پور، رحمت‌الله. (۱۳۸۳). «تحلیل و امکان سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تأکید بر نقش دولت»، دانش مدیریت. شماره ۶۷. صص ۸۵-۱۱۱.
- محمّدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۰). *دانشنامه قرآن و حدیث*، قم: دارالحدیث.
- محمّدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۶). *میزان الحکمه*، قم: چاپ و نشر دارالحدیث.
- مفید، محمدبن نعمان. (۱۴۱۴ق). *الامالی*، بیروت: دارالمفید.
- مقیم، سیدمحمد. (۱۳۹۵). «اصل مسئولیت و پاسخگویی»، سخن سردبیر، فصلنامه علمی- پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۴. شماره ۴. صص ۵-۹.
- مولانا جلال‌الدین محمد (مشهور به مولوی). (۱۳۷۸). *مثنوی معنوی بر اساس نسخه تصحیح شده رینولد نیکلسون*، با مقدمه استاد بدیع‌الزمان فروزانفر. تهران: انتشارات امیر مستعان.
- میرسپاسی، ناصر و باقرزاده، محمدرضا. (۱۳۸۵). «آسیب‌شناسی نظام پاسخگویی در سازمان‌های دولتی»، فصلنامه پژوهشگر. سال سوم. شماره ۷/۲. صص ۱-۱۴.
- نبوی، سیدعباس. (۱۳۸۳). «کالبدشکافی نظری و کاربردی رویکردهای پاسخ‌گویی در نظام ولایی». *اندیشه حوزه*، شماره ۴۹ و ۵۰. صص ۱۷۲-۱۵۴.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج. (۱۴۱۲ق). *صحیح مسلم*، مصر: دارالحدیث.
- هاتف اصفهانی، الف (سید احمد حسینی). (۱۳۸۵). *دیوان اشعار*، نسخه تصحیح‌شده‌ی وحید دستگردی. تهران: نگاه.
- Agyemang, G. Awumbila, M. Unerman, J. & O Dwyer, B. (2009). NGO Accountability and Aid Delivery. Research Report 110 ACCA.
- Ahmad, Khaliq. (2002). "Islamic Ethics in a Changing Environment for Managers", in AbulHasan M. Sadeq (ed.). (2002). *Ethics in Business and Management: Islamic and Mainstream Approaches*. London: Asean Academic Press, 1-31.
- Aribi, Zakaria Ali & GAO, Simon. (2010). Corporate social responsibility disclosure A comparison between Islamic and conventional financial institutions, *Journal of Financial Reporting and Accounting*, Vol. 8 No. 2, 72-91.
- Arsad, Syahiza, Said, Roshima, Yusoff, Haslinda, Haji-Othman, Yusuf & Ahmad, Rahayati. (2014). The Relationship between Islamic Corporate Social Responsibility and Firm's Performance: Empirical Evidence from Shari'ah Compliant Companies, *European Journal of Business and Management*, Vol.6, No.36. pp. 160-174.
- Aucion, P; Heintzman, R. (2000). The dialectics of accountability for performance in public management reform. *Lnt Rev Adm Sci*. 66: 45-55.
- Basri, Hasan and Abdul Khalid, Siti Nabiha. (2012). Examining Accounting And Accountability Issues In Religious Context: Insights From Literature, *Aceh International Journal of Social Sciences*, 1 (1): 27 - 35.
- Basri, Hasan Siti Nabiha, A. K and Shabri Abd. Majid, M. (2016). Ccounting and Accountability in Religious Organizations: An Islamic Contemporary Scholars' Perspective, *Gadjah Mada International Journal of Business*, Vol. 18, No. 2 (May-August 2016): 207-230.
- Bergsteiner, H. & Avery, G. C. (2008). A generic multiple constituency matrix: Accountability in private prisons. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 19, 631-660.

- Carlisle, Ysanne & McMillan, Elizabeth. (2006). Innovation in organizations from a complex adaptive Systems perspective, E: CO, Vol. 8 No. 1. pp. 2-9.
- Chapra, M. Umar. (1992). Islam and the Economic Challenge. Leicester: The Islamic Foundation.
- Dubnick, M. J. (2005). Accountability and the promise of performance: In search of mechanisms. *Public Performance and Management Review*, 28 (3), 376-417.
- Dusuki, A. W. (2008). What Does Islam Say about Corporate Social Responsibility? *Review of Islamic Economics*, Vol. 12, No. 1. 5-28.
- Ebrahim, A. & Weisband, E. (Eds). (2007). *Global accountabilities: Participation, pluralism, public ethics*. New York, NY: Cambridge University Press.
- Ebrahim, A. (2010). The many faces of nonprofit accountability. *The Jossey-Bass Handbook of Nonprofit Leadership and Management*, 101-121.
- Elasrag, Hussein. (2015). Corporate social responsibility in Islam, Online at <http://mpraub.uni-muenchen.de/63670/> MPRA Paper No. 63670, posted 16. April 2015, 14:32 UTC.
- Farook, S. (2007). On corporate social responsibility of Islamic financial institutions. *Islamic Economic Studies*, 15(1), 3146.
- Hameed, Shahul. (2007). "Alternative Disclosure & Performance Measures for Islamic Banks, International Islamic University Malaysia", www.iiu.edu.my/iaw/students%20term%20papers_files/alternative__accounting__performan_ ce_measures_for_islamic_banks.htm.
- Haniffa, R.M. and Cooke, T. (2001). Corporate Social Reporting in Malaysia: Impact of Culture and Corporate Governance Structure, Discussion Paper in Accounting and Finance, University of Exeter, Exeter.
- Iqbal, Zamir and Mirakhor, Abbas. (2003). Stakeholders Model of Governance in Islamic Economic System. Paper Presented at the Fifth International Conference on Islamic Economics and Finance: Sustainable Development and Islamic Finance in Muslim Countries, Bahrain. 43-63.
- Jacobs, A. & Wilford, R. (2007). Putting new approaches to NGO accountability into action. In Paper for the Development's Futures Conference. Galway: National University of Ireland.
- Kamaruddin, Muhammad Iqmal Hisham & Auzair, Sofiah Md. (2019). Integrated Islamic Financial Accountability Model For Islamic Social Enterprise (ISE), *The Journal of Muamalat and Islamic Finance Research*, Vol. 16, No. 1, June 2019, Pp. 17-36.
- Lee, J. (2004). *NGO accountability: Rights and responsibilities*. Geneva, Switzerland.
- Leen, M. (2006). *NGO accountability: Issues, lessons and challenges for Dochas and its members*. Dochas: Dublin.
- Maali, B. Casson, P. and Napier, C. (2006). 'Social reporting by Islamic banks', *Abacus*, Vol. 42, No. 2, pp. 266-289.
- Maali, Bassam and Napier, Christopher. (2007). "Twenty Five Years of Islamic Accounting Research: A Silver Jubilee Review", Paper Presented at the 5th Asia Pacific Interdisciplinary Perspectives on Accounting Conference, Australia, Auckland.
- Maali, Bassam, Casson, Peter and Napier, Cristopher. (2003). "Social Reporting by Islamic Bank", Discussion Paper in Accounting and Finance, University of Southampton, <http://www.management.soton.ac.uk/research/publications/documents/AF03-13.PDF>.
- Majallah-al-Ahkam. (2001). *Majallah AI-AhkamAI-'Adlijyah (The Mejelle: A Complete*

- Code on Islamic Civil Law). Translated by C. R. Tyer; D. G. Dementriades and Ismail Haqqi Effendi. Kuala Lumpur: The Other Press.
- Mohamed, Hussain Etbiga. (2017). Accountability practices in Islamic charities in Scotland A critical and postmodern perspective, PhD thesis of Philosophy, Heriot-Watt University School of Social Sciences.
- Mulgan, R. (2003). Holding power to account: Accountability in modern democracies. Basingstoke: Plegrave.
- Najam, A. (1996). NGO accountability: A conceptual framework. Development Policy Review, 14(4), 339-354.
- Nyazee, Imran Ahsan Khan. (2000). Islamic Jurisprudence (Usul AI-Fiqh). Islamabad: Islamic Research Institute Press.
- O Dwyer, B. & Unerman, J. (2007). From functional to social accountability: Transforming the accountability relationship between funders and non-governmental development organisations. Accounting, Auditing & Accountability Journal, 20(3), 446-471.
- Pollitt, C. & Hupe, P. (2011). Talking about Government the role of magic concepts. Public Management Review, 13 (5), 641-658.
- Rice, G. (1999). "Islamic ethics and the implications for business", Journal for Business Ethics, Vol. 18 No. 4, pp. 345-58.
- Sardar, Ziauddin. (2003). Islam, Postmodernism and Other Futures: A Ziauddin Sardar Reader. Edited by Gail Boxwell. London: Pluto Press.
- Sulaiman, M. (2005). "Islamic Corporate Reporting, Between the Desirable and the Desired, First edition, Malaysia, International Islamic University Malaysia, Research Centre.
- Usman Riaz Mir, Syeda Mahnaz Hassan, Syed Salman Hassan. (2016). "Islamic Perspective of Corporate Social Responsibility", Al-Adwa, 46, 31. pp. 77-90.
- Wan Jusoh, Wan Noor Hazlina, Ibrahim, Uzaimah & Mohd Napiah, Mohammad Deen. (2014). Corporate Social Responsibility of Islamic Banks: A Literature Review and Direction for Future Research, Journal of Applied Environmental and Biological Sciences. 4(12)57-61.

REFERENCES

- The Holy Qur'an, translated by Ayatollah Nasser Makarem Shirazi, fourth edition, Qom: Oswah, 1390.
- Abu Dawoud, Sulayman ibn Ash'ath. (1420 AH). Sunan Abu Dawoud, Cairo: Dar al-Hadith.
- Abul-Hasan M. Sadeq (ed.). (2002). Ethics in Business and Management: Islamic and Mainstream Approaches. London: Asean Academic Press, 1-31.
- Agyemang, G. Awumbila, M. Unerman, J. & O Dwyer, B. (2009). NGO Accountability and Aid Delivery. Research Report 110 ACCA.
- Al-Ghazali, Muhammad. (1386). Ihya Uloum al-Din, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi Publications, translated by Mu'ayyiduddin Muhammad al-Khwarizmi with the efforts of Hossein Khadiv-Jam, Vol. 17, 6th edition, Tehran: Scientific and Cultural Publications Company.
- Al-Harrani, Ibn Shu'bah. (1382). Tuhf al-Uqoul, translated by Sadiq Hassanzadeh, Qom: Aal Ali (AS).
- Alikhani, Ali Akbar. (1384). The Way of Accountability in the Islamic Republic System, Imam Sadiq University (AS) Research Quarterly, No. 26. pp. 51-81.
- Al-Tamimi al-Amidi, Abdul Wahid bin Muhammad. (1410 AH). Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim, vol. 73. Qom: Dar al-Kitab al-Islami.
- Alvani, Seyed Mohammad; Ahmadi, Kiyomars. (1392). "The Concept of Organizational Social Accountability and the Necessity of Explaining Its Components in Iranian Government Organizations". Quarterly Journal of Government Organization Management. Year 1. No. 3. pp. 16-7.
- Alvani, Seyed Mohammad; Danaeifard, Hasan. (1380). "Public Management and Public Trust", Danesh Mandir, 14: 55, pp. 33-26.
- Aribi, Zakaria Ali & GAO, Simon. (2010). Corporate social responsibility disclosure A comparison between Islamic and conventional nancial institutions, Journal of Financial Reporting and Accounting, Vol. 8 No. 2, 72-91.
- Arsad, Syahiza, Said, Roshima, Yusoff, Haslinda, Haji-Othman, Yusuf & Ahmad, Rahayati. (2014). The Relationship between Islamic Corporate Social Responsibility and Firm's Performance: Empirical Evidence from Shari'ah Compliant Companies, European Journal of Business and Management, Vol.6, No.36. pp. 160-174.
- Asghari, Mahmoud. (1383). "The Role of Accountability and Its Impact on Social Justice", Andisheh Hawza, No. 49 and 50, pp. 329-313.
- Aucion, P; Heintzman, R. (2000). The dialectics of accountability for performance in public management reform. Lnt Rev Adm Sci. 66: 45-55.
- Basri, Hasan and Abdul Khalid, Siti Nabiha. (2012). Examining Accounting and Accountability Issues in Religious Context: Insights from Literature, Aceh International Journal of Social Sciences, 1 (1): 27 - 35.
- Basri, Hasan Siti Nabiha, A. K and Shabri Abd. Majid, M. (2016). Counting and Accountability in Religious Organizations: An Islamic Contemporary Scholars' Perspective, Gadjah Mada International Journal of Business, Vol. 18, No. 2 (May-August 2016): 207-230.
- Bergsteiner, H. & Avery, G. C. (2008). A generic multiple constituency matrix: Accountability in private prisons. Journal of Public Administration Research and Theory, 19, 631-660.

- Carlisle, Ysanne & McMillan, Elizabeth. (2006). Innovation in organizations from a complex adaptive Systems perspective, E: CO, Vol. 8 No. 1. pp. 2-9.
- Chapra, M. Umar. (1992). Islam and the Economic Challenge. Leicester: The Islamic Foundation.
- Dubnick, M. J. (2005). Accountability and the promise of performance: In search of mechanisms. *Public Performance and Management Review*, 28 (3), 376-417.
- Dashti, Muhammad. (1383). *Nahj al-Balagha*, second edition, Qom: Sibt al-Nabi.
- Dehkhoda, Ali Akbar. (1377). Dictionary, first edition, Tehran: Tehran University Printing and Publishing Institute.
- Dusuki, A.W. (2008). What Does Islam Say about Corporate Social Responsibility? *Review of Islamic Economics*, Vol.12, No. 1. 5-28.
- Ebrahim, A. & Weisband, E. (2007). *Global accountabilities: Participation, pluralism, public ethics*. New York, NY: Cambridge University Press.
- Ebrahim, A. (2010). The many faces of nonprofit accountability. *The Jossey-Bass Handbook of Nonprofit Leadership and Management*, 101-121.
- Elasrag, Hussein. (2015). Corporate social responsibility in Islam, Online at <http://mpraub.uni-muenchen.de/63670/> MPRA Paper No. 63670, posted 16. April 2015, 14:32 UTC.
- Farook, S. (2007). On corporate social responsibility of Islamic financial institutions. *Islamic Economic Studies*, 15(1), 3146.
- Faiz-ul-Islam Isfahani, Alinaghi. (1351). Translation and commentary of *Nahj al-Balagha*. Offset printing. Tehran: Faqih Printing and Publishing Organization.
- Fuladi, Hafizullah and Shafi'i, Abbas. (1397). "Responsibility of Agents from the Viewpoint of Amir al-Mu'minin Ali (AS) in *Nahjul-Balaghah*", *Nahjul-Balaghah Studies*. 17th Year. No. 57. pp. 206-191.
- Gholipour, Rahmatullah. (1383). "Analysis and feasibility of a good governance model in Iran with emphasis on the role of the state", *Danesh al-Modiriyat*. No. 67. pp. 111-85.
- Hameed, Shahul. (2007). "Alternative Disclosure & Performance Measures for Islamic Banks, International Islamic University Malaysia", www.iiu.edu.my/iaw/students%20term%20papers_files/alternative__accounting__performance_measures_for_islamic_banks.htm.
- Haniffa, R.M. and Cooke, T. (2001). *Corporate Social Reporting in Malaysia: Impact of Culture and Corporate Governance Structure*, Discussion Paper in Accounting and Finance, University of Exeter, Exeter.
- Hatef Isfahani, A. (Sayyid Ahmad Hosseini). (1385). *Diwan Ash'ar*, revised edition by Vahid Dastgerdi. Tehran: Negah.
- Ibn Abi al-Hadid. (1387 AH). *Sharh Nahj al-Balagha*, vol. 15, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Ibn Babawayh. (1369). *Man La Yahdhuruh al-Faqih* (Translation and Text), Translated by Muhammad Jawad Ghaffari, Sadr al-Balaghi, Ali Akbar Ghaffari, Qom: Dar al-Kutb al-Islamiyyah.
- Ikhwan al-Safa'. (1975). *Treatises of the Ikhwan al-Safa' and Khillan al-Wafa*, Beirut: Dar Al-Sadir Publications.
- Iqbal, Zamir and Mirakhor, Abbas. (2003). Stakeholders Model of Governance in Islamic Economic System. Paper Presented at the Fifth International Conference on Islamic Economics and Finance: Sustainable Development and Islamic Finance in Muslim Countries, Bahrain. 43-63.
- Jacobs, A. & Wilford, R. (2007). Putting new approaches to NGO accountability into action. In Paper for the Development's Futures Conference. Galway: National Universi-

- ty of Ireland. Kamaruddin, Muhammad Iqmal Hisham & Auzair, Sofiah Md. (2019). Integrated Islamic Financial Accountability Model for Islamic Social Enterprise (ISE), *The Journal of Muamalat and Islamic Finance Research*, Vol. 16, No. 1, June 2019, Pp. 17-36.
- Lee, J. (2004). *NGO accountability: Rights and responsibilities*. Geneva, Switzerland.
- Leen, M. (2006). *NGO accountability: Issues, lessons and challenges for Dochas and its members*. Dochas: Dublin.
- Maali, B. Casson, P. and Napier, C. (2006). 'Social reporting by Islamic banks', *Abacus*, Vol. 42, No. 2, pp.266-289. Maali, Bassam and Napier, Christopher. (2007). "Twenty-Five Years of Islamic Accounting Research: A Silver Jubilee Review", Paper Presented at the 5th Asia Pacific Interdisciplinary Perspectives on Accounting Conference, Australia, Auckland.
- Maali, Bassam, Casson, Peter and Napier, Cristopher. (2003). "Social Reporting by Islamic Bank", Discussion Paper in Accounting and Finance, University of Southampton, <http://www.management.soton.ac.uk/research/publications/documents/AF03-13.PDF>.
- Majallah-al-Ahkam. (2001). *Majallah AI-AhkamAI-'Adlijyah (The Mejelle: A Complete Code on Islamic Civil Law)*. Translated by C. R. Tyer; D. G. Dementriades and Ismail Haqqi Effendi. Kuala Lumpur: The Other Press.
- Mirsepasi, Naser and Bagherzadeh, Mohammad Reza. (1385). "Analysis of the Harms of Accountability System in Government Organizations", *Pajooreshgar Quarterly*. Year 3, Issue 2/7. pp. 1-14.
- Moghimi, Sayed Mohammad. (1395). "The Principle of Responsibility and Accountability", Editor's Note, *Islamic Management Scientific Research Quarterly*, Vol. 24, Issue 4, pp. 5-9.
- Mohamed, Hussain Etbiga. (2017). *Accountability practices in Islamic charities in Scotland A critical and postmodern perspective*, PhD thesis of Philosophy, Heriot-Watt University School of Social Sciences. Mulgan, R. (2003). *Holding power to account: Accountability in modern democracies*. Basingstoke: Plegrave.
- Mohammadi Rayshahri, Mohammad. (1390). *Encyclopedia of the Qur'an and Hadith*, Qom: Dar al-Hadith.
- Mohammadi Rayshahri, Mohammad. (1396). *Mizan al-Hikmah*, Qom: Dar al-Hadith Printing and Publishing.
- Molana Jalaluddin Muhammad (known as Molavi). (1378). *Masnavi Manavi*, based on the revised version of Reynold Nicholson, with an introduction by Professor Badi'ozzaman Forozanfar. Tehran: Amir Mostaan Publications.
- Mufid, Mohammad ibn Nu'man. (1414 AH). *Al-Amali*, Beirut: Dar al-Mufid.
- Nabavi, Seyyed Abbas. (1383). "Theoretical and Practical Dissection of Accountability Approaches in the Provincial System". *Andisheh Hawza*, Issue 49 and 50. pp. 172-154.
- Najam, A. (1996). *NGO accountability: A conceptual framework*. Development Policy Review, 14(4), 339-354. Nyazee, Imran Ahsan Khan. (2000). *Islamic Jurisprudence (Usul AI-Fiqh)*. Islamabad: Islamic Research Institute Press.
- Neyshaburi, Muslim ibn Hajjaj. (1412 AH). *Sahih Muslim*, Egypt: Dar al-Hadith.
- O'Dwyer, B. & Unerman, J. (2007). From functional to social accountability: Transforming the accountability relationship between funders and non-governmental development organisations. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 20(3), 446-471.
- Pollitt, C. & Hupe, P. (2011). *Talking about Government the role of magic concepts*. Public

- Management Review, 13 (5), 641- 658.
- Rice, G. (1999). "Islamic ethics and the implications for business", Journal for Business Ethics, Vol. 18 No. 4, pp. 345-58.
- Rostamian, Mohammad Ali. (1393). "Responsibility and Duty from the Perspective of the Qur'an and the Traditions of the Ahl al-Bayt (AS)". Research Journal of the Wisdom of the Ahl al-Bayt (AS). Vol. 1, No. 2. pp. 50-31.
- Sabzevari, Hadi. (1417 AH). Sharh Al-Manzoumah, Vol. 1, by Hasanzadeh Amoli, Tehran: Nab.
- Sardar, Ziauddin. (2003). Islam, Postmodernism and Other Futures: A Ziauddin Sardar Reader. Edited by Gail Boxwell. London: Pluto Press.
- Shahidi, Seyyed Jafar. (1374). Translation and Explanation of Nahj al-Balaghah, Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Sulaiman, M. (2005). "Islamic Corporate Reporting, Between the Desirable and the Desired, First edition, Malaysia, International Islamic University Malaysia, Research Centre.
- Turkzadeh, Jafar, Amiri, Mehdi, Marzooghi, Rahmatullah, Salmanpour, Mohammad Javad and Jahani, Jafar. (1399). Religious Foundations of Accountability in the Holy Qur'an: A Strategy for Social-Rational Systems. Bi-Quarterly Journal of Reason and Religion. Year 12. No. 22. pp. 112-91.
- Usman Riaz Mir, Syeda Mahnaz Hassan, Syed Salman Hassan. (2016). "Islamic Perspective of Corporate Social Responsibility", Al-Adwa, 46, 31. pp. 77-90.
- Wan Jusoh, Wan Noor Hazlina, Ibrahim, Uzaimah & Mohd Napiiah, Mohammad Deen. (2014). Corporate Social Responsibility of Islamic Banks: A Literature Review and Direction for Future Research, Journal of Applied Environmental and Biological Sciences. 4(12)57-61.

| Extended Abstract |

A Three-Dimensional Conceptual Model of Accountability in Social Systems Based on the Qur'an and Hadiths

Mehdi Amiri

Objective:

The aim of this research is to present a three-dimensional model of accountability in social systems based on the Holy Qur'an and verify its validity in universities through a multi-study mixed research. One of the requirements for developing the Islamic and Iranian governance model is to develop and explain the accountability model based on Islamic principles and teachings. Hence, this research seeks to develop and design a conceptual framework for accountability in social systems based on the Holy Qur'an. It is worth noting that the discovered framework has been verified by faculty members in some universities.

Methodology:

The current study attempted to study the concept of accountability in social systems based on the Holy Qur'an in a wide, multi-dimensional and fruitful study, and in a relatively broad conceptual space. In this regard, based on a new method (cyclical analysis process) consisting of four steps of collecting data and information, reducing data, organization, and data interpretation, a deep collection and analysis of the phenomenon of accountability in social systems, the context of the Holy Qur'an. Then a conceptual framework for accountability based on the Holy Qur'an in social systems was developed. Finally, the aforementioned framework was confirmed and validated through semi-structured interviews with 20 university faculty members as key experts, and experienced informants.

Findings:

In this study, information about the concept of accountability has been collected based on the Holy Qur'an and through studying and contemplating the verses of the Holy Qur'an as well as using the thematic list of the books of Tafsir-e Nur and Tafsir-e Nemooneh. The verses that have a direct or indirect relationship with the topic of accountability in social systems and their functions have been selected and further scrutinized and examined. At this stage, 305 basic concepts were extracted. In the next stage of the research, according to the cyclical analysis process, the data (basic concepts) were reduced in a restorative manner. Therefore, the basic concepts identified in the previous stage were categorized and conceptualized under 92 axial codes.

In the third stage of the research, the qualitative information collected was organized and analyzed by combining the information and knowledge obtained from the previous stages. At this stage, an attempt was made to put the information encoded in the previous stage into more meaningful codes so that the reader could understand

this concept more quickly, as well as to enable a faster comparison between accountability in social systems from the perspective of the Holy Qur'an and other sources and texts. In the fourth stage, the organized concepts of the previous stage were re-organized in order to achieve the basic axes of the concept of accountability, leading to the formulation of a final classification (including the second level) consisting of three axes of foundations, obstacles, and enabling factors as axes of accountability based on the Holy Qur'an.

In the second part of the research, the validity of the conceptual framework that was reached in the structural and functional dimensions was verified by experts and specialists in the field of higher education who were simultaneously informed and aware of religious and Quranic foundations. The final model may consist of three axes of foundations, obstacles, and enabling factors, and it is classified into three cognitive (perceptual-mental), emotional (insightful-attitudinal), and behavioral (practical) domains.

Conclusion:

This study has proposed three dimensions, namely foundations, obstacles, and enabling factors as a proposed framework for accountability in social systems based on the Holy Qur'an. In this research, the foundations are the positive factors of accountability, and the obstacles are the negative factors of accountability that act as a barrier to the correct and desired accountability. Ultimately, the enabling factors are the factors that can play a motivating and enhancing role for accountability in social systems. On the other hand, the existence of these factors causes accountability to occur, so that the absence of these factors causes the act of accountability to either not occur or, if it occurs, to be carried out incompletely; therefore, these factors create the necessary groundwork for accountability. From another point of view, if foundations are necessary conditions, enabling factors are sufficient causes. These factors can cause the act of accountability to occur in the best possible way, and in the absence of these factors, one cannot be sure about the formation of the act of accountability.

KEYWORDS: Accountability, Holy Qur'an, Hadiths, Social System, Responsibility